ضمیمه شماره ۴۵ دو هفته نامه امید و آگاهی (چهاردهمین ویژه نامه شهرستان تفت)

ویژه شهرستان تفت

امید و آگاهی

همه با هم تا تفت، تفت بماند

امید و آگاهی (ویژه شهرستان تفت) فرهنگی اجتماعی قیمت : ۵۰۰ تومان

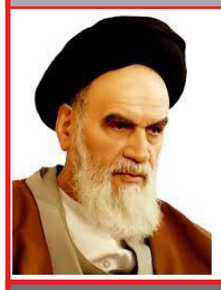

کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان خواران را نمی‌دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند!... اگر بند بند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.»

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۶۹، ۱۳۶۷/۴/۲۶)

سرمقاله

عزاداری، احیاء خط خون و شهادت، و رساندن صدای مظلومیت آل علی به گوش تاریخ است. «اشک»، زبانِ دل است و «گریه»، فریاد عصر مظلومیّت.

عزاداران حسینی، پروانگانی شیفته نورند که شمع محفل آرای خویش را یافته و از شعله شمع، پیراهنِ عشق پوشیده‌اند و آماده جان باختن و پرسوختن و فدا شدَن‌اند.

عزاداری برای شهید کربلا، انتقال «فرهنگ شهادت» به نسل‌های آینده است. عزاداری، شور و عاطفه را از شعور و شناخت، بر خوردار می‌سازد و ایمان را در ذهن جامعه هوادار، زنده نگه می‌دارد. عمیق‌ترین پیوندها میان عقل و عشق و عاطفه و برهان، در سایه عزاداری برای عاشورا شکل می گیرد.

«منا» یک قربانگاه بود، و «کربلا»، قربانگاهی دیگر تنها هاجر و ابراهیم نبودند که «اسماعیل» را به «مذبح» آوردند، محمد و علی و فاطمه (ع) نیز «حسین» را به قربانگاه عشق فرستادند.

برای رسیدن به کربلا، باید اراده ای آهنین، قلبی شجاع و عشقی سوزان داشت و در این سفر، باید رهتوشه ای از صبر و یقین، پاپوشی از توکل، سلاحی از «ایمان» و مَرکبی از «جان» داشت، تا به منزل رسید، چرا که راه کربلا، از «صحرای عشق» و «میدان فداکاری» و پیچ و خم خوف و خطر می گذرد.

زائر حسین (ع) باید تمثیلی از شداید و رنج‌ها و سوز و گدازها و خوف و عطش‌ها را در خویش پدید آورد و کربلایش «کرب» و «بلا» باشد.

دانشگاه کربلا باز است و شاگرد می‌پذیرد، از هر جا که باشد، هرکه باشد...

آنچه در این شماره در زمینه عزاداری محرم و عاشورای تفت بیان می‌شود همه و همه در راستای بهبود و تعالی این مراسم‌هاست و اینکه در سالیان آینده به شیوه ای بهتر و مطلوب تر برگزار شود وگرنه ایراد گرفتن به عزاداری امام حسین (علیه السّلام) و بیان بایدها و نبایدها در این زمینه امری نادرست است و ما کوچک‌تر از آن هستیم که بخواهیم در درگاه اباعبدالله الحسین (علیه السّلام) بی ادبی کنیم و به عزاداری‌ها و عزاداران آن حضرت ایراد بگیریم؛ لذا آنچه مطرح شده است در مقام ایراد نیست و صرفاً جهت بهبود و استفاده بیشتر از این عزاداری‌هاست.

با آرزوی قبولی عزاداری‌های شما در عزای سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السّلام) و ضمن عرض تسلیت ایام اسارت آل الله، ایامی که سخت‌ترین روزهای خاندان اهل بیت است؛ چهاردهمین شماره امید و آگاهی ویژه شهرستان تفت تقدیم شما می‌شود؛ به امید آنکه تفت همواره و همیشه تفت بماند؛ یعنی شهرستانی داشته باشیم آباد، پیشرفته، سرسبز و سرشار از شور، نشاط و شادابی.

چرا محرم و عاشورای تفت متولی و مدیریت واحد ندارد؟

محرم و عاشورای تفت می‌تواند بهتر از این برگزار شود

»» صفحه ۲

چگونه می شود
جامعه اسلامی به انحطاط و گمراهی برود؟
»» صفحه۲

شعر سرای تفت
این قافله میان قافله ها گم نمی شود
»» صفحه۳

مردم شهر تفت درباره عزاداری محرم و عاشورای تفت چه نکاتی را گفتند؟
نقاط قوت و ضعف محرم و عاشورا تفت
»» صفحه۳

بررسی تحلیلی خبری فاجعه منا

منا؛ حادثه، فاجعه یا جنایت؟

مجتبی فلاح تفتی

«منا» نام سرزمینی است در ۴ کیلومتری مکه مکرمه که حجّاج بعد از وقوف در «مشعر»، برای رمی جمره یا همان سنگ زدن به نماد شیطان به سوی آن روانه می‌شوند. و اینک از ذی الحجۀ الحرام ۱۴۳۶ قمری، این سرزمین مقتل شهدای مظلومی است که بنا به گواه شاهدان واقعه، لب تشنه و مظلومانه به دیدار معبودشان شتافتند.

ریشه واقعه منا را که بخواهی جستجو کنی باید در بحر تاریخ فرو بروی؛ قدری که خود را در می‌یابی، می‌بینی حتی تا واقعه ظلم قابیل به هابیل عقب گرد کرده ای.

در سرزمین مکه که رها بشوی، برجی بزرگ مشرف بر کعبه شریف نگاهت را جلب می کند. خیلی‌ها می گویند حتی هیبت کعبه را هم از چشم‌ها برده است. اروپا رفته‌ها می گویند شبیه برج «بیگ بل» انگلستان است. سوالی ذهنت را درگیر می کند که نمادی فرهنگی با این الگو و با این مقیاس چند برابر بزرگ تر، اینجا چه می‌کند؟ با قدری جستجو، منابع خبری از این اطلاع می‌دهند که برج را یک مهندس یهودی برای سعودی‌ها طراحی کرده است.

راهی منا که می‌شوی، نماد شیطان را ستون سنگی بلندی می‌یابی که رأس آن شبیه هَرم است. سعودی‌ها به بهانه زیاد شدن حجّاج به مرور زمان، دور این ستون را دیواری کشیده‌اند تا به بهانه تساهل و روان شدن کار، حجّاج سنگی بزنند وکار تمام بشود؛ اما هدف اصلی این است که نگاه حجاج به این نماد نیفتد و ضمنا سنگ هم به این نماد نخورد. با قدری جستجو، منابع از این اطلاع می‌دهند که این نماد شیطان، در مکان‌های متعددی از کشورهای اروپایی به چشم می‌خورد. دو نمونه برجسته آن، مقابل کنگره آمریکا و مقابل واتیکان است. اینجا معلوم می‌شود نقش آن دیوار چیست!

از ذکر نمونه‌های داخلی فعالیت‌های سعودی‌ها که بگذریم، عرصه فعالیت‌های خارجی سعودی‌ها نیز مؤیّد خباثت‌ها و جنایات متعدد این خاندان سلطنتی به اسلام و مسلمین است که ثابت می‌شود این خاندان اگر مزدور دشمنان اسلام نباشند، حداقل سخت گرفتار پنجه نفوذ آن‌ها هستند.

فاجعه منا که منجر به شهادت چند صد ایرانی و عروج چند هزار از مسلمین بلاد اسلامی شد، سند دیگری از خباثت و عقده گشایی این قوم خائن در این دوره بوده است.

برخی گمامه زنی‌های ساده اندیشانه و بعضا مغرض، بی نظمی حجّاج مظلوم ایرانی را دلیل این واقعه غمبار تحلیل کرده‌اند. بررسی روند واقعه حاکی از بسته شدن محل خروجی یکی از جاده‌های منا توسط عوامل سعودی است؛ خیابانی که یکی از شاه راه‌های عبوری منا برای رمی جمره است. ضمنا عوامل سعودی بدون توجه به ورود خیل عظیم زائران به این مسیر، مانع ورود زائرانی که از رمی جمره بازمی گشته‌اند و در مسیر مخالف، وارد این خیابان می‌شدند نیز نشده بودند.

از طرف دیگر جمعیت عظیمی که در ابتدای جاده قرار داشته‌اند، بدون اطلاع از مسدود بودن انتهای مسیر، به راه خود ادامه می‌دهند؛ نتیجه اینکه حجّاجی که در بین این دو سیل جمعیتی قرار داشته‌اند دچار فشردگی، تنگی نفس و نهایتا بی هوشی شده و روی هم انباشت می‌شوند.

حال در این بین بسته شدن مسیر خروجی خیابان به مدت طولانی و با این ازدحام جمعیت و رها گذاشتن حجاج برای ورود به این مسیر مسدود شده که منجر به فشردهَ شدن جمعیت می‌شده چه دلیلی از سوی سعودی‌ها داشته، موارد مشکوک و مورد سؤالی است که از آن جز بوی خباثت و توطئه استشمام نمی‌شود.

بنا به نقل خبرنگار شبکه العربیه عربستان، این فشردگی از ساعت ۷ صبح شروع شده، اما ورود اولین گروه از امدادگران ساعت ۱۱:۳۰ صبح صورت گرفته است. حتی بنا به گفته شاهدان، در طول این واقعه از کمک امدادگران کشورهای حاضر در مراسم حج هم ممانعت به عمل آمده است. دربهای اضطراری طول مسیر نیز هیچگاه تا لحظه پایان حادثه گشوده نشدند و همچنان قفل و زنجیر شده رها گذاشته شدند.

مورد دیگر وجود دوربین‌های متعدد در طول مسیر است که به اقرار شاهدان حتی توانایی شناسایی برگه‌های کوچک دعا و مناجات را در دست زائران دارد، اما چگونه از این مسئله غفلت شده و این جنایت عظیم بدون هیچ اقدام پیشگیرانه ای به مدت ۳٫۵ ساعت بَه وقوع پیوسته است؟

آری واقعه منا با همه مظلومانه بودنش، در کنار برگ‌های دیگر تاریخ ثبت می‌گردد. عربستان هم که با وقوع انقلاب اسلامی ایران بر خود لرزید، در طول این ۳۷ سال، از کمک و تحریک صدام گرفته تا کشتار حجّاج در سال ۱۳۶۶ ابایی نکرد و از سوی دیگر برای هم پیمانی با اسرائیل و آمریکا از کوچک‌ترین کمکی امتناء نورزید؛ امروز هم با آلودن دست خود به خون این مظلومان شهیدمان، کاری جز این نکرد که ما را در غم شهدا و کودکان یتیم سوریه و فلسطین و یمن شریک کرد. شهدایی که آن‌ها نیز کشته و مجروح همین دست جنایتکار هستند.

ما که مصیبت زده این غم و هجران هستیم؛ به رسم ادب، چون سجده پایانی زیارت عاشورای مولای لب تشنه مان، پیشانی شکر از این مصیبت به درگاهش می‌ساییم و تسلیم قضای او، منتظر منتقم همه مظلومان عالم می‌مانیم.

در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به چه کسی رأی دهیم؟

کاندیدای اصلح کیست؟

به چه کسی رأی دهیم؟ سوالی که این روزها با حضور کاندیداهای احتمالی کم و بیش بر سر زبان‌هاست و نقل محافل است. بحث‌هایی که با مشخص شدن بیشتر کاندیداهای احتمالی و نزدیک شدن به آن گسترده تر و مفصل تر می‌شود.

اما به واقع به چه کسی رأی دهیم؟ آنچه به نظر ملاک مناسبی می‌رسد پیدا کردن کاندیدا اصلح در میان کاندیداها هست. به نظر ملاک‌های بومی و جناحی هرچند تأثیرگذار است و در درجه ای از اهمیت قرار دارند ولی مطالبی نیستند که در درجه اول اهمیت قرار داشته باشند. برای اینکه یک معیارهایی بیان شود که قابل قبول برای همگان باشد؛ در این شماره از نشریه امید و آگاهی تفت به ضرورت و شاخص‌های کاندیدا اصلح از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدّظلّه العالی) پرداخته می‌شود؟

ضرورت انتخاب اصلح

ملت باید تلاش خود را بکند، باید زحمت بکشد و دنبال اصلح بگردد. من مکرّر عرض کرده‌ام که مسئله، مسأله ی دین و خدا و ادای تکلیف است. همچنان که اصل انتخابات یک تکلیفِ الهی است، انتخاب اصلح هم یک تکلیف الهی است. قبلا هم گفتیم که تفاضل و لو کم باشد، در این قضیه بسیار است. باید بگردید، بین خودتان و خدا حجّت پیدا کنید؛ یعنی بتوانید از راهی بروید که اگر خدای متعال پرسید شما به چه دلیل به این فرد رأی دادید، بتوانید بگویید به این دلیل. بین خودتان و خدا، دلیل و حجّتی فراهم کنید و بعد با خیال راحت بروید رأی بدهید. (۷۶/۲/۳۱)

ویژگی‌های اصلح

بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافیگری خودش نباشد. آفت بزرگ ما اشرافیگری و تجمل پرستی است؛ فلان مسئول اگر اهل تجمل و اشرافیگری باشد، مردم را به سمت اشرافیگری و به سمت اسراف سوق خواهد داد.» (۸۸/۲/۲۲)

پایبندی او به اسلام باشد، پایبندی او به عدالت باشد، پایبندی او به منافع ملی باشد، مرز او با دشمن مرز مشخصی باشد. ... بعضی، از دشمن رودربایستی دارند؛ بعضی، ملاحظه‌ی دشمن را می کنند. ملاحظه‌ی ملت را باید کرد، ملاحظه‌ی خدا را باید کرد، نه ملاحظه‌ی دشمن را. دشمن، دشمن است؛ هرچه ملاحظه کنی، هرچه عقب بنشینی، او جلو می‌آید. اگر خاکریز شما در مقابل دشمن خاکریز مستحکمی نباشد، او نفوذ می کند. دشمنان این را می‌خواهند. یکی از شاخص‌ها همین است. مردم در هرجای کشور هستند، به این شاخص توجه کنند آن کسانی که مرزشان با دشمن و دست نشاندگان دشمن مرز کم‌رنگی است، این‌ها برای ورود به مجلس اصلح نیستند. کسانی باید باشند که مرز روشنی با دشمن داشته باشند.» (۸۶/۱۲/۲۲)

هنر ملت ایران و مردم شهرها و حوزه‌های انتخابیه این است که دقت کنند، نگاه کنند، بشناسند اصلح را، بهترین را انتخاب کنند؛ بهترین از لحاظ ایمان، بهترین از لحاظ اخلاص و امانت، بهترین از لحاظ دین‌داری و آمادگی برای حضور در میدان‌های انقلاب؛ دردشناس ترین و دردمندترین نسبت به نیازهای مردم را انتخاب کنند. این‌ها فرصت‌هائی هست، بایستی مردم عزیز ما در همه جای کشور... هوشیارانه، با بصیرت تمام تلاش کنند، پیدا کنند و با رأی خود مسجل کنند ـ البته مردم توجه باید داشته باشند که تبلیغات رنگین و متنوع ملاک نیست؛ وعده‌های غیر عملی ملاک نیست. ... وعده‌های غیر عملی دادن، وعده‌های بزرگ دادن، این‌ها ملاک نیست؛ باید مردم توجه کنند» (۸۶/۱۰/۱۲)

شیوه انتخاب اصلح

باید خودتان تحقیق کنید، ملاحظه کنید، دقت کنید، از انسان‌های مورد اعتمادتان بپرسید، تا به اصلح برسید و اصلح را انتخاب کنید. البته این روزها با این وسائل عجیبِ رسانه‌ای کنونی‌ها و امثال این‌ها ـــ متأسفانه حرفهایَ گوناگونَ، نسبت‌های گوناگون به اشخاص گوناگون، رواج دارد. گاهی ممکن است یک نفر هزاران پیامک بفرستد. برای من گزارش دادند که ممکن است در ایام انتخابات، روزی چند صد میلیون پیامک رد و بدل شود. مراقب باشید، تحت تأثیر این چیزها قرار نگیرید؛ نگاه کنید، تشخیص بدهید، اصلح را بشناسید و برای ادای تکلیف، اسم او را به صندوق رأی بیندازید. (۹۲/۱/۱)

شنیده ها

شنیده‌های انتخاباتی

***احتمال کاندیداتوری مهندس ابراهیم جواهری**

شنیده ها حاکی از این است که رایزنی تعدادی برای حضور مهندس ابراهیم جواهری در انتخابات مجلس دهم است. یشان هنوز قطعیت نامزدی برای کدام از حوزه های انتخابیه مهریز بافق خاتم یا ابرکوه یا میبد را اعلام نداشته است

*** احتمال ثبت نام دکتر فرزاد برای کاندیداتوری در انتخابات مجلس**

شنیده ها حاکی از این است که دکتر علیرضافرزاد نماینده دو دوره مردم شهرستان تفت در مجلس شورای اسلامی بار دیگر قصد کاندیداتوری دارد. او که دارای تحصیلات آکادمیک در رشته پزشکی و تخصص به رشته رادیولوژی است؛ دو دوره نماینده شهرستان تفت در مجلس شورای اسلامی بود.

***احتمال کاندیداتوری مهندس غلامعلی سفید، استاندار اسبق یزد از حوزه انتخابیه تفت و میبد**

خبر جدیدی که درباره حوزه انتخابیه تفت و میبد به گوش می رسد؛ مربوط به احتمال کاندیداتوری مهندس غلامعلی سفید، استاندار اسبق یزد از حوزه انتخابیه میبد و تفت است.

***آیت الله وافی برای کاندیداتوری در انتخابات مجلس خبرگان رهبری رسما اعلام آمادگی کرد**

آیت الله وافی برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری اعلام آمادگی کرد. آیت الله ابوالقاسم وافی یزدی متولد ۱۳۱۴در روستای حسین‌آباد روستایی از توابع بخش زارچ و عضو کنونی مجلس خبرگان رهبری است. همچنین وی در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی با پیشنهاد و مشورت علمای بزرگ یزد و قم نمایندگی مردم یزد را عهده‌دار شد.

اولین مرکز خرید و فروش انار شهرستان تفت

مرکز خرید و فروش انار فلاح

عرضه انواع انارهای شیرین و ترش، زاغ، شاه بار (شهوار)، ترکیده و رُبّی
آبدار، ملس و با ماندگاری بالا

در خدمت همشهریان و هم استانی های عزیز

تفت، پل سلطان آباد، جنب ایستگاه اتوبوس ۰۹۱۳۲۵۲۶۹۳۷ (حاج حسین فلاح)

این را بدانید که این شعار شما، «مرگ بر آمریکا»ی شما، این فریادی که ملّت ایران می کشند، این دارای یک پشتوانه و عقبه‌ی منطقی و قوی است؛ دارای پشتوانه‌ی عقلانی است. معلوم هم هست که مراد از «مرگ بر آمریکا»، مرگ بر ملّت آمریکا نیست، ملّت آمریکا هم مثل بقیّه‌ی ملّتها هستند، یعنی مرگ بر سیاست های آمریکا، مرگ بر استکبار؛ معنایش این است، این دارای پشتوانه‌ی عقلانی است؛ قانون اساسی ما به این ناطق است، تفکرات اصولی و عمیق و منطقی بر این ناطق است و این را برای هر ملّتی که تشریح بکنیم، آن را می‌پسندند و می پذیرند و قبول می کنند.

(مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی)، ۱۲ آبان ۹۴)

وقایع اتفاقیه تفت

*جلسه شورای فرهنگ عمومی شهرستان تفت با حضور اعضا برگزار شد

در این جلسه که نقاط قوت و ضعف مراسم عزاداری در دهه اول محرم (بویژه مراسم صبح و عصر عاشورا در محل حسینیه امام بود) مورد بحث بود مقرر گردید کارگروهی بدین منظور با مسئولیت اداره تبلیغات اسلامی زیر نظر شورای فرهنگ عمومی تشکیل و جلسات ماهانه قبل از جلسه شورای فرهنگ عمومی داشته باشد و مسائل مربوط به عزاداری در دهه اول محرم را مورد پیگیری قرار دهد تا در سال آینده شاهد نقاط قوت بیشتر و ضعف کمتر باشد.

* جلسه شورای فرهنگی دانشگاه پیام نور مرکز تفت با حضور امام جمعه شهرستان تفت برگزار شد

دراین جلسه ابتداریاست دانشگاه با اشاره به روز سیزده آبان و استکبار ستیزی خواستار حضور فعال و آگاهانه همه اساتید و پرسنل و دانشجویان شد سپس حجت‌الاسلام‌والمسلمین غفوری امام جمعه شهرستان تفت ضمن گرامیداشت روز سیزده آبان به تحلیل مسائل روز پرداخته و آمریکا را همواره دشمن و در رأس استکبار جهانی دانستند. وی بزرگترین سرمایه دانشجویان را روحیه بسیجی و انقلابی آنها دانستند که باید حفظ شود. درادامه امام جمعه تفت خواستار توجه ویژه به معنویات در دانشگاه بویژه برگزاری نماز و برنامه های مذهبی و قرآنی شدند و تاکید کردند که انقلابی گری بدون معنویت امکان ندارد.

* فرماندار تفت: فرهنگ مراسم ترحیم در شهرستان تفت باید آسیب شناسی شود

سومین نشست شورای توسعه فرهنگی شهرستان تفت به ریاست فرماندار و با حضور اعضاء در محل فرمانداری تفت تشکیل جلسه داد. فرماندار شهرستان تفت با اشاره به دستور کار نشست شورای توسعه فرهنگی در خصوص فرهنگ مراسم ترحیم در شهرستان تفت با انتقاد به برخی روشهای غلط در این گونه مراسم ها گفت: زمانی که خانواده‌ای یکی از عزیزان خود را از دست می دهد رسم و سنت اسلامی و ایرانی بر آن است که سایر افراد به یاری آنان بشتابند و تسلی بخش آنان باشند اما ورود برخی پدیده های نامبارک در این فرهنگها، خانواده عزادار را با هزینه های سنگین و دشواری های متعدد روبرو می سازد که باید با روش های فرهنگی و قانونی نسبت به اصلاح این روشها اقدام کرد. فرماندار تفت نقش علمای دین و معلمین و اساتید را در این رابطه مهم و راهبردی برشمرد و گفت: علمای دین، اساتید و معلمین با توجه به نفوذ کلام و سخنشان در لایه های مختلف جامعه می توانند پیش قراولان اصلاحات فرهنگی باشند و راه را برای تعالی عرصه های فرهنگی در کشور هموار نمایند.

* برگزاری سوگواره بصیرت عاشورایی در شهرستان تفت

به همت اداره اوقاف و امور خیریه تفت سوگواره بصیرت عاشورایی با برنامه های مختلف در بقاع متبرکه شهرستان برگزار شد. در این ویژه برنامه خیمه معرفت در اماکن مذهبی و آستان مقدس امامزادگان شهرستان با حضور مبلغین برپا گردید که مورد استقبال قرار گرفت و مراجعه کنندگان این اقدام اداره اوقاف را ستودنی دانستند.

* تفت مهیای برگزاری شکوهمند انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری

ستاد برگزاری انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی و انتخابات پنجمین دوره خبرگان رهبری شهرستان تفت به ریاست فرماندار و با حضور اعضاء در محل فرمانداری تشکیل جلسه داد. فرماندار تفت انتخابات هفتم اسفندماه را همچون سایر انتخابات، رویدادی حساس و تاثیرگذار در تعیین سرنوشت کشور ارزیابی کرد و گفت: هدف دولت و همه دوستداران انقلاب اسلامی، برگزاری انتخاباتی حماسی، شکوهمند، قانونمند و سالم است و امیدواریم با مشارکت آحاد مردم، حماسه سیاسی دیگری در هفتم اسفندماه در تاریخ پرتلألؤ انقلاب اسلامی رقم خورد. عوامل برگزاری انتخابات باید در نهایت بی طرفی و با آگاهی کامل از قانون، زمینه حضور باشکوه و حماسی آحاد مردم را در انتخابات فراهم نمایند. با توجه به پراکندگی جغرافیایی و روستاهای متعدد در شهرستان تفت، لازم است همه امکانات را برای برگزاری انتخابات شایسته در سطح شهرستان فراهم آورند.

* سرپرست بیمارستان شهید بهشتی تفت تودیع شد

دکتر سید نادر مصطفوی یزدی مسئول پزشکی قانونی شهرستان و متخصص مسمومیت می باشد که طی حکمی از طرف دکتر میرجلیلی ریاست دانشگاه علوم پزشکی به مدت یکسال سکان دار هدایت بیمارستان شهید بهشتی تفت شد و از دکتر اسدی ریاست سابق بیمارستان تقدیر به عمل آمد.

* رئیس اداره ورزش و جوانان تفت تودیع و معارفه شد

«سید اصغر حسینی» که سال ها معاونت اداره کل ورزش و جوانان استان را بر عهده داشته است به عنوان ریاست جدید اداره ورزش و جوانان منصوب و جایگزین «عباس دشت آبادی» شد.

* رئیس جدید اداره آب و فاضلاب روستایی تفت معرفی شد

«رضا مظفری» به عنوان رئیس جدید اداره آبفار تفت معرفی شد و از خدمات «رضا زارع رحیم آبادی» تجلیل شد.

* رزمایش ۲ روزه الی بیت‌المقدس در تفت برگزار شد

رزمایش دو روزه الی بیت المقدس با حضور بیش از ۳۰۰ بسیجی غیور تفتی با محوریت مقابله با تهاجم بیگانه و همچنین درگیری شهری در موقعیت جاویدالأثر حاج احمد متوسلیان شهرستان تفت برگزار شد.

چرا محرم و عاشورای تفت متولی و مدیریت واحد ندارد؟

محرم و عاشورای تفت می‌تواند بهتر از این برگزار شود

حمیدرضا پهلوان باقری

محرم و به ویژه مراسم عاشورای تفت زبانزد عام و خاص است؛ مراسم نخل برداری تفت نماد ویژه‌ای از شهرستان است که چنانچه یک فرد تفتی خود را به فرد غیر تفتی معرفی آن فرد سریع به مراسم نخل برداری تفت اشاره می کند. عزاداری‌های بی‌نظیری که مردم تفت انجام می‌دهند جلوه خاصی از عزاداری در ایران را به نمایش گذاشته که قابل‌تقدیر و ستایش است.

مدیریت کارآمد و سالم یکی از مباحث مهمی است که همواره بر روی آن تأکید می‌شود. مدیریت که از سه رکن برنامه‌ریزی، پیگیری و نظارت و ارزیابی تشکیل می‌شود از ملزومات هر مراسم و طرحی است که به نظر می‌رسد محرم و به ویژه مراسم عاشورای تفت از نبود این امر رنج می‌برد. این یادداشت در صدد ارزیابی (بیان نقاط قوت و ضعف) محرم تفت نیست و در جای دیگر به آن پرداخته می شود. نگارنده در اینجا به مهم‌ترین دلیل ضعف برنامه‌های محرم و عاشورای تفت

که نبود آن بسیار محسوس است اشاره می کند. آنچه در محرم تفت و به ویژه مراسم عاشورای تفت مشاهده شد نبود مدیریت واحد و به عبارتی متولی خاص برای آن است. که هر آنچه نقیصه دیده می‌شد به این امر بازمی گشت.

به ویژه در مراسم عاشورای تفت که جای‌جای آن نظیر برگزاری برنامه‌ها، ترتیب مداحی مداحان اهل‌بیت، پذیرایی و دادن نذری‌ها، مسائل مختلف هیئت‌های عزاداری و دیگر موارد همه نشان دهنده خلأ مدیریت واحد بود. هرچند که لازم است تمام این برنامه‌ها به صورت مردمی برگزار شود و این ضرورتی غیرقابل انکار است ولی آنچه مهم به نظر می‌رسد وجود مدیریتی یکپارچه است که تمام حرکت‌های مردمی را به صورت یکپارچه و هماهنگ درآورد؛ مدیریتی که زیر نظر یک عالم و کارشناس دینی صورت پذیرد و هماهنگی‌هایی را از ماه‌ها قبل از شروع محرم تا به هنگام عزاداری‌ها انجام دهد. این مدیریت باید واحد، یکپارچه وکارآمد و از همه مهم‌تر زیر نظر یک کارشناس دینی باشد.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود مراسم محرم و عاشورای تفت به یک متولی خاص جهت برنامه ریزی، هماهنگی و نظارت امور مختلف آن سپرده شود تا هماهنگی بین مجریان امور مختلف به بهترین شکل صورت گیرد و برنامه‌ها براساس نظمی خاص انجام شود تا بیش‌ترین استفاده از آن برده شود و به بهترین شکل ممکن برنامه‌ها برگزار شود.

چگونه می شود جامعه اسلامی به انحطاط و گمراهی برود؟

مرتضی دهقانی تفتی

امام حسین علیه السلام قبل از خروج از مکه و رفتن به سمت کربلا صریحا اعلام فرمودند: «الا وَ مَنْ کانَ فینا باذلاً مُهَجَتَهُ مُوَطِّناً عَلی لقاءِ الله نَفسَهُ فلیَرْحَل مَعَنا فَاِنّی راحِلٌ مُصَبِّحاً اِنْ شاءَ الله». «ای مردم هرکس که در راه ما آمادهٔ بذل و بخشش خون خود است و مهیای دیدار و لقاء خداوند است، با ما بیاید که ما فردا عازم رفتن هستیم ان شاءالله.»

خب ابتدای سفر امام حسین عده‌ی کثیری همراه امام شدند اما چه شد که ولی خدا در روز واقعه آن قدر تنها شد و تنها عده ای معدود آمادهٔ گذشتن از خون خود برای لقاء و دیدار الهی بودند؟ چگونه شد جامعه ای که پیامبر اسلام را یاری کردند و به قدرت رساندند بعد از گذشتن چندسال از یاری ولی خدا دست کشیدند و بلکه عده ای از آن‌ها در مقابله با او به جنگ پرداختند؟ می‌توان از عوامل ایجاد کنندهٔ این واقعهٔ مهم درس گرفت و برای امتحانات بعدی خدا از جامعه آماده شد. امتحاناتی که قطعاً از همه گرفته خواهد شد. خداوند متعال در سوره عنکبوت می‌فرماید: «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟! ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می کنیم)؛ باید علم خدا درباره کسانی که راست می گویند و کسانی که دروغ می گویند تحقق یابد.»

بنابراین باید درک کنیم چه بلایی بر سر آن جامعه آمد که حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام، آقازاده‌ی اول دنیای اسلام و پسر خلیفه‌ی مسلمین، در همان شهری که پدر بزرگوارش بر مسند خلافت می‌نشست، سر بریده‌اش گردانده شد و آب از آب تکان نخورد! «قرآن، دو عامل اساسی گمراهی را به مسلمین معرفی می کند. آن آیه این است که می‌فرماید: «فَخَلَفَ من بَعدِهِم خَلفٌ أَضاعُوا الصَّلاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَواتِ فَسَوفَ یَلقَونَ غَیّاً». «امّا پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ که به زودی سرگشتگی و گمراهی خود را خواهند دید!» (۵۹ مریم). دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است:

۱- یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن.

۲- دوم «و اتبعوا الشهوات»؛ دنبال شهوت رانی‌ها رفتن؛ دنبال هوس‌ها رفتن و در یک جمله: دنیاطلبی. به فکر جمع‌آوری ثروت، جمع‌آوری مال و التذاذ به شهوات دنیا افتادن. این‌ها را اصل دانستن و آرمان‌ها را فراموش کردن. این، درد اساسی و بزرگ است. ما هم ممکن است به این درد دچار شویم. اگر در جامعه اسلامی، آن حالت آرمان خواهی از بین برود یا ضعیف شود؛ هر کس به فکر این باشد که کلاهش را از معرکه در ببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد؛ این که «دیگری جمع کرده است، ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح دهیم»، معلوم است که به این درد دچار خواهیم شد.» «برگرفته از بیانات رهبری در ۷۱/۴/۲۳»

اما علاوه بر این دو عامل اساسی و کلی، عوامل جزئی تر دیگری نیز بودند که یا به خاطر همین دو عامل اصلی بالا به وجود آمده بودند یا زمینه ساز این دو عامل شدند از جمله:

۱- شبهه‌ها و فتنه‌هایی که در جامعه به وجود آمده بود و مانع آگاهی صریح و روشن مردم می‌شد. مثلا یکی از شبهات رایج آن زمان جملهٔ «حسبنا کتاب الله» بوده است که ضرورت وجود امامی برای شرح و توضیح کتاب خدا را مورد سوال قرار می‌داده و شک وجود داشته که اصلا چرا باید امامی باشد که مردم را به سوی هدایت راهنمایی کند و می‌گفتند: «ما که کتاب خدا در دستمان است همان برایمان کافی است.»

دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است:۱- یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن. ۲- دوم «و اتبعوا الشهوات»؛ دنبال شهوت رانی‌ها رفتن؛ دنبال هوس‌ها رفتن و در یک جمله: دنیاطلبی. به فکر جمع‌آوری ثروت، جمع‌آوری مال و التذاذ به شهوات دنیا افتادن. این‌ها را اصل دانستن و آرمان‌ها را فراموش کردن. این، درد اساسی و بزرگ است. ما هم ممکن است به این درد دچار شویم. اگر در جامعه اسلامی، آن حالت آرمان خواهی از بین برود یا ضعیف شود؛ هر کس به فکر این باشد که کلاهش را از معرکه در ببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد؛ این که «دیگری جمع کرده است، ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح دهیم»، معلوم است که به این درد دچار خواهیم شد.»

۲- کتمان فضایل و کرامات اهل بیت و در مقابل، با فضیلت نشان دادن دروغین شخصیت‌هایی به جای اهل بیت بود که موجب گمراهی در انتخاب مردم می‌شد.

۳- تحریف معنای دین و مسلمان بودن: تحریفی که دین را مجموعه ای از احکام ظاهری و فردی می‌دانست و فوقش تجارب باطنی و حالات معنوی و اخلاقیات محدود هم به آن اضافه می کرد و نقشی اجتماعی و سیاسی برای آن قائل نبود در حالیکه مسلمانی به معنای تسلیم بودن زمانی در انسان ثبوت پیدا می کند که انسان در مقابل ولی خدا تسلیم شود (۳۱ آل عمران). تولی به ولی خدا گوهر دین است و برای تفسیر دین باید به ولی معصوم و علمای باتقوای متصل به علم معصوم رجوع کرد و این رجوع همه جانبه است و در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی هم باید وجود داشته باشد.

۴- یکی دیگر از عوامل تنهایی ولی خدا بالا بودن هدف در دستگاه الهی است. هدف اصلی ایشان تامین شهوات و غرایز مردم نبود و گاها با آن متعارض می‌شد به همین دلیل انبیای الهی در جوامعی که ادراکشان ضعیف و تعلقاتشان به دنیا شدید بود به دلیل دعوت به معاد و جهان پس از مرگ به جنون متهم می‌شدند. با اینکه این دعوت برای انبیا بسیار گران تمام می‌شد و موجب تنهایی آن‌ها می‌شد ولی آن‌ها دست از آرمان‌ها برنداشتند و می‌خواستند انسان را به مقام اخلاص و توحید برسانند. وقتی هدف رفیع شد طبیعی است که همرهان واقعی کمتر و دیرتر پیدا می‌شوند.

۵- از سوی دیگر اولیای الهی نیز حاضر نیستند با حیله و تزویر مردم را به سوی خود جمع کنند و به هدف برسانند بلکه می‌خواهند مردم از سر بصیرت و آگاهی، خدا را انتخاب کنند تا تکلیف و رشد معنی پیدا کند. با توجه به هدف انبیا مردم نباید به قیمت تبلیغات دروغ، هدایت شوند. سیدالشهدا (ع) در حرکت خود با وعدهٔ رسیدن به قدرت و غنایم، مردم را جمع نکرد، بلکه برعکس بارها در بین راه هشدار داد که پایان این راه مخاطره آمیز قدرت و حکومت نیست بلکه پایان آن شهادت است. در مقابل سفره‌ی سفیانی و ابن زیاد رنگین تر بود و پر بود از وعده‌های پول و قدرت و مظاهر دنیا و تبلیغات دروغ و فریب دادن مردم با تطمیع و تهدید و تحقیر.

ان شاءالله با عبرت گرفتن از این واقعه در امتحانات و فتن الهی موفق بیرون آییم چراکه بنای خدا بر این است که فتنه هایی اتفاق بیفتند تا صفوف حق و باطل از هم جدا شوند (سوره انعام ۱۱۲-۱۱۳). و این اتفاق صحنه را برای امتحان فراهم می کند. اینجاست که انسان از عاقبت خویش می‌ترسد و به نقش ناله‌های شبانه و دعاهای سحرگاهی پی می‌برد و می‌فهمد که از امتحانات خدا به جز به خدا و سفینه‌های نجات او پناهی نیست.

آیا امکان دارد در جامعه امروزی کوفیان باشند؟

امیرمحمد مؤذن فراشاه

کوفیان زمان امام حسین بدترین مردمان از نگاه شیعیان هستند؛ چرا که پس از اصرار فراوان برای حضور امام زمانشان در شهر کوفه، پشت ایشان را خالی کردند و حتی در برابر ایشان و آیینشان به صف ایستادند.

در آن زمان کوفیان شرایطی داشتند که باعث شد چنین عملی از آنان سر بزند. شرایطی که برای ما نیز در این عصر جدید وجود دارد. در ادامه به بررسی این شرایط پرداخته خواهد شد:

پیمان‌شکنی

کوفیان نمونه بارزی از پیمان شکنی بودند؛ حتی قبل از امام حسین (ع) و در زمان امام علی (ع) و در هنگام حمله سپاه معاویه به شهر الانبار پیمان شکستند که خشم امام را برانگیختند. در زمان امام حسن (ع) هم به ایشان خیانت کردند، تا اینکه در زمان امام حسین (ع) نیز پیمان شکنی کردند.

امروزه نیز در دنیای تشیع پیمان شکنی بسیاری دیده می‌شود؛ چه در محدوده خیلی کوچک مثل دو دوست، چه در یک محدوده بزرگ‌تر؛ مثل دو کشور. این روند اگر ادامه پیدا کند، قبح پیمان شکنی از بین می‌رود و در زمان قیام امام عصر (عج) نیز به راحتی پیمان‌ها شکسته می‌شود.

زود باوری در برابر جنگ‌های روانی و نداشتن آزادی عمل و

استقلال فکری

کوفیان در برابر جنگ‌های روانی که عبید الله بن زیاد ایجاد کرده بود شکست خوردند. عبید الله با ایجاد رعب و وحشت در میان بعضی از زنان و خانواده‌ها، نیروهای اطراف مسلم بن عقیل را کاهش داد و این چنین قیام مسلم شکست خورد. دلیل اصلی زود باوری آنان این بود که عبیدالله به آنان مجال فکر کردن نمی‌داد که اگر اندکی فکر می کردند این چنین فریب نمی‌خوردند.

امروزه که جامعه‌ی شیعه و اسلام به واسطه ابزارهای جنگ روانی دشمن مورد حمله واقع شده است و مجال فکر کردن از آن گرفته شده است و هر روز یک شبهه جدید از طرق مختلف مثل ماهواره، سایت و ... در دین اسلام ایجاد می‌شود، اگر مسلمانان و به خصوص شیعیان فرصتی برای فکر کردن برای خود ایجاد نکنند در زمان قیام امام زمان کوفی وار عمل خواهند کرد.

طمع به پول و مقام

عبیدالله عده ای از نیروهای اطراف مسلم را با وعده پول به خانه‌هایشان فرستاد و عده ای را مثل عمر بن سعد با وعده مقام به جنگ با حسین بن علی.

امروزه که در اطراف جامعه وعده‌ها بسیار است؛ وعده‌ی پول و مقام و جایزه؛ اگر مراقبت نکنیم همین وعده‌ها ما را در صف مقابل امام زمان (عج) قرار می‌دهد.

طریق زندگانی

مبحث اول: خطر کاهش جمعیت

قسمت اول :

فاجعه جمعیتی ایران در راه است

امید و آگاهی تفت از این شماره بخشی جدید به صورت ثابت در نشریه به بحث «طریق زندگانی» اختصاص داده است. «طریق زندگانی» به مسائل مختلف اجتماعی فرهنگی به صورت سلسله وار اشاره می‌کند. بر این اساس هرچند شماره یکبار یک موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد و جوانب مختلف آن موضوع به صورت سلسله وار ارائه می‌شود. اولین موضوعی که به صورت سلسله وار ارائه می‌شود؛ بحث جمعیت و خطر کاهش آن است؛ که در این شماره مقدمه ای از این فاجعه بیان می‌شود و در شماره‌های بعد به علل این فاجعه و راهکارهای مقابله با آن اشاره خواهد شد. امید که مورد قبول شما مخاطبان عزیز قرار گیرد.

یکی از مقوله‌های بسیار مهمی که در حال حاضر مورد بحث است ضریب رشد جمعیتی و نسبت آن به توسعه اقتصادی در کشورهای جهان است. بر اساس تحقیقاتی که صورت گرفته است در آینده کشورهایی که دارای نیروی کار متخصص و فعال باشند می‌توانند مدیریت آتی جهان را در دست گیرند. نتایج به دست آمده از آمارهای جهانی رشد جمعیتی در بسیاری از کشورهای جهان پایین آمده و به سمت طراز منفی در حال حرکت است که ایران نیز از این امر مستثنی نیست. ساختار کلی جمعیت همانند یک اندام واره است که باید تمام بخش‌های آن دارای تعادل و پویایی باشد و نمی‌توان یک وضعیت ثابت و ایده آل را برای آن تعریف کرد. بدین منظور است که باید به صورت مداوم پویایی و تحولات اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد و در صورتی که مطالعات احتمال خارج شدن جمعیت از حالت تعادلی را نشان دهد باید سیاست‌های حمایتی اعمال شود. ایران در بازه سال‌های ۶۵ تا ۶۸ دارای یک رشد جمعیتی چشمگیر بود که این امر موجب شد تا افرادی خطر انفجار را برای ایران گوش زد کنند و دولت وقت نیز در راستای همان کنترل جمعیتی با بسیج کردن تمام دستگاه‌های تبلیغاتی و اجرایی کشور توانست خطر انفجار جمعیتی را کنترل کند و رشد جمعیتی ایران را به حد متوسط جهانی برساند اما آن چیزی که مدیران به آن توجهی نداشتند تندروی در این مسئله بود که موجب شد تا صاحب نظران در زمینه رشد جمعیت با ابراز نگرانی از تندروی دولت وقت در کنترل جمعیت خواستار تجدید نظر سیاست‌های جمعیتی کشور شوند چرا که ادامه این روند سبب این می‌شد که ایران در بلند مدت با طراز رشد جمعیتی منفی مواجه شود. بر اساس سناریو رشد پایین جمعیتی که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده است اگر ایران به همین صورت به ادامه جایگزینی جمعیتی بپردازد و برنامه ای برای تعادل آن نداشته باشد در ۸۰ سال آینده جمعیت ۳۱ میلیونی را تجربه خواهد کرد که ۴۷ درصد آن را افراد سالمند بالای ۶۰ سال را در برمی گیرند و این درحالی است که در خاورمیانه کشورهای عربستان و قطر دارای بیش‌ترین رشد جمعیتی در میان سایر کشورهای منطقه هستند. ایران در حال حاضر نیز جزء ۱۰ کشور است که به سرعت به سمت کهن سالی در حال حرکت است و در جایگاه ششمین کشور جهان قرار دارد که افراد آن به سن پیری می‌رسند.

احکام وقف

بر اساس استفتائات مقام معظم رهبری (مدّظلّه العالی)

سؤال: شخصی می‌خواهد مقداری از املاک خود را وقف حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السّلام) کند به این صورت که تا حیات دارد درآمد آن ملک مال خودش باشد و بعد از حیاتش مال امام باشد. آیا چنین وقفی شرعاً صحیح است یا خیر؟

جواب: اگر به نحو حتم و جزم زمین را از حالا وقف کند و فقط منافع آن را تا پایان حیات خود برای خودش استثناء کند مانع ندارد و چنین وقفی صحیح است.

سؤال: ده عدد فرش چهار متری وقف مسجد جامع گردیده و تا به حال فرش‌ها در مسجد بوده است؛ حالا که مسجد را اهالی خراب کرده‌اند می‌خواهند از نو بسازند، آقایان معتمدین محل و امام جمعه می‌گویند این فرش‌ها را با نظر خبره بفروشیم و پولش را به مسجد خرج نمائیم به عنوان امانت بعد از ساخته شدن مسجد فرش بگیریم و به مسجد بیاندازیم، آیا می‌شود فرش‌ها را فروخت و برای مسجد خرج کرد یا نه؟

جواب: اگر فرش‌ها وقف مسجد است، با امکان استفاده از آن فروش آن صحیح‌نیست.

سؤال: آیا می‌توان فرش‌های کهنه مسجد را با رعایت حد اعلای قیمت روز تبدیل به فرش‌های نو کرد؟

جواب: فرش‌ها اگر وقف مسجد است تا موقعی که قابل استفاده در آن مسجد یا در مساجد دیگر است فروش و تبدیل آن‌ها جایز نیست مگر آنکه حفظ و نگهداری فرش موقوفه در نظر عرف موقوف بر فروش و تبدیل باشد.

سؤال: ساختمان مختصری در تاریخ ۱۳۴۹ ساخته شده به نام حسینیه امام حسین (علیه السلام) و صیغه وقف هم خوانده شده است، آیا می‌توان آن را خراب کرد و ساختمان شخصی یا دولتی ساخت؟

جواب: اگر وقفیت به عنوان حسینیه به انشاء وقف و خواندن صیغه وقف و حصول قبض و اقباض تکمیل شده باشد تغییر و تبدیل موقوفه جایز نیست.

سؤال: زمین موقوفه ای است که منافع آن برای عزاداری امام حسین (علیه السّلام) الی الابد وقف شده، با توجه به اینکه محلی برای اقامه نماز و دیگر شعائر اسلامی در نزدیکی محل وجود ندارد؛ واگذاری قطعه ای از این زمین از سوی اوقاف به عنوان حسینیه جهت اقامه نماز و شعائر چه صورتی دارد؟ و اگر اجاره سالیانه این زمین پرداخت نشود نماز خواندن و اقامه شعائر چه حکمی دارد؟

جواب: تغییر وقف و حسینیه قرار دادن قسمتی از زمین موقوفه مذکور جائز نیست ولی اگر به شکلی اجاره داده شود که وقف کاملاً محفوظ باشد و مال الاجاره هرسال طبق وقف زیر نظر متولی شرعی به مصرف برسد جائز و بلا اشکال است.

اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان تفت

شهید سید عبد الرضا موسوی

شـما چـه فکـر می‌کنیـد؟! آیـا تحـت چه شـرایطی اسـتعمارگران و دشـمنان زخم‌خوزده ی مـا ، حاضرند بـه جای مخالفـت و خصومت ، بـه حمایت از مـا برخیزند؟ آیا جـز با نفی همه خواسـته‌هایی که تـا کنون در راهشـان جنگیده‌ایـم و قربانـی داده‌ایم ؟ آیا جـز با نفی هدفهایـی که دشـمنی شـیطانها را بـر انگیخته بود؟ نفـی آزادی ، نفی اسـتقلال واقعی و جوهـره مکتبی انقلاب ؟

شـعـر سـرای تـفـت

این قافله میان قافله ها گم نمی شود

کاروان حسین(ع)

کاروان رفت و رفت جان حسین
رفت با کاروان روان حسین
جام خورشید بر سر نی بود
نام حق بر سر زبان حسین
گرد صحرا به خار و خاره و خاک
گشته آواره کودکان حسین
مانده بر خاک کربلا عریان
جسم صد چاک یاوران حسین
پیکر پاره پارهٔ عباس
پیکر اکبر جوان حسین
جسم بی جان اصغر بی شیر
افسر ناز پادگان حسین
پیکر عون و جعفر و قاسم
همه پر پر به بوستان حسین
سرو ها بی سر و به خون غلتان
دیده ها جمله خونفشان حسین
دید زینب تمام غم ها را
بر زبانش همه فغان حسین
دید زینب به بارگاه یزید
چوب و تشت و سر و لبان حسین
آسمان تیره شد زماتم او
چرخ سرگشته از خزان حسین
هر چه گل بود پر پر از کین شد
هرچه جان بود، خونچکان حسین
داد در راه حق سر و جان را
جان عالم فدای جان حسین
انبیا خوشه چین خرمن او
اولیا ریزه خوار خوان حسین
از ازل نام او به لوح و قلم
تا ابد زنده آرمان حسین
شد کمان قامتش به عهد شباب
از ستم میر کاروان حسین
مرگ و نفرین به حامیان یزید
لعنت حق به قاتلان حسین
«مصطفی» از خدا چه می خواهد
بوسه بر خاک آستان حسین

مصطفی فلاح پور (از کتاب دانه های الماس صفحه ۳۰)

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

نقش‌عطش

عشقی که در عبور فاصله ها گم نمی شود
سوزی که در نوای چلچله ها گم نمی شود
زخمی به پای شعر کرب و بلا هست تا ابد
انگار رنگ و بوی آبله ها گم نمی شود
نقشی که از عطش کشیده خدا بر گلوی او
با شعبه های تیر حرمله ها گم نمی شود
آیات آسمان و حنجر مظلوم نینوا
صوتی که در فضای هلهله ها گم نمی شود
خورشید را به روی نیزه کجا می برد خدا؟
این قافله میان قافله ها گم نمی شود
تاریخ سرخ سرزمین دلم داغدار او
داغی که با گذشت سلسله ها گم نمی شود
«لبیک یا حسین» حک شده بر روی قلب ما
با آخرین توان زلزله ها گم نمی شود

محمدکاظم‌علی‌حمزه

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

دلم‌تنگ‌می‌شود...

از خیمه می روی و دلم تنگ می شود
دنیا به چشم طفل تو بی رنگ می شود
یک روزه رفت بر سرمن داغ چند تن
این سوگ ها چه زود هماهنگ می شود
آورده ای مرا به دیاری که اندر آن
حتی برای پیرهنت جنگ می شود
با ضجه ضجه های من و تازیانه ها
بابا ببین که فاصله فرسنگ می شود
دارند می برند مرا هم به شهر شام
سهم من از سوال «چرا...؟»سنگ می شود...

محمدعلی‌مورکیان

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

نوای‌اذان

نوای اذان تا رها می شود
دلم با خدا آشنا می شود
چو نو گل بهاری به لطف نسیم
جهان پر ز شور و نوا می شود
ثنا و سماوات مرغ سحر
به وقت اذان هم صدا می شود
به قبله نظر کرده با روی باز
که چشمم به دور از بلا می شود
میان رکوع و سجود نماز
تمام جفایم وفا می شود
زلال است سرچشمه ی رود عشق
زمانی که قامت دو تا می شود
ز غفلت شده تیره دنیای من
ببین قلب سنگم طلا می شود
در این پنج نوبت ملاقات او
زبان غرق در واژه ها می شود
نمی دانم آیا در این گفتگو
کمی حق مطلب ادا می شود
تبرک شده این دلم با نماز
ز غم ها جدا بغض وا می شود

آسیه احمدی

*توجه: تمامی شاعران تفتی هستند.

مردم شهر تفت درباره عزاداری محرم و عاشورای تفت چه نکاتی را گفتند؟

نقاط قوت و ضعف محرم و عاشورای تفت

نشـریه امیـد و آگاهـی تفـت در ایـن شـماره در گفتگویـی با ۵۰ نفـر از شـهروندان تفتـی؛ از آنها دربـاره نکات قـوت و ضعف محـرم و عاشـواری تفت سـوال کـرد کـه مهم‌تریـن نکاتـی کـه بیش‌تریـن افـراد بـه آن اشـاره کردنـد در ادامـه می‌آید:

مداحـان میلیونـی غیربومـی و عـدم تربیـت مـداح تفتـی!؟

می‌تـوان گفـت بیـش از ۷۰ درصـد مداحانـی کـه در هیئت‌های مختلف شـهر تفـت بـه مداحـی پرداختنـد مداحـان غیربومـی بـوده کـه بـا هزینه‌هـای میلیونـی دعـوت شـده بودنـد این درحالی اسـت که برخی از مداحان تفتـی در هیئت‌های مناطق دیگر نظیـر یزد مداحـی می‌کردند یا هیئتـی از آن‌هـا دعـوت نکـرده بـود؛ در اینجـا دو نکتـه قابـل ذکـر اسـت: اولا اسـتفاده از مداحـان غیربومـی برجسـته در راسـتای رشـد مداحـان تفتی و اسـتفاده بهتـر از مـردم امری ضـروری و غیرقابـل انـکار اسـت ولی آنچـه دیـده می‌شـود اسـتفاده از مداحـان غیربومـی کـه هـم سـطح آنـان یـا بهتـر از آنـان در شهرسـتان وجـود دارد لـذا بـه نظـر می‌رسـد در ایـن زمینـه بایـد تجدیـد نظر شـود. ثانیـاً آنچـه مهم اسـت بحـث تربیت مداحان بومی است؛ هرچند که شاید اسـتفاده از مداحان بومی سـبب شود که کیفیت مطلوب را نداشـته باشند ولـی ایـن امر سـبب می‌شـود تـا آن مـداح رفته رفتـه خود را رشـد دهد و ایـن گونه مداح بومی تربیت می‌شـود کـه بـه جز یـک هیئت شهرسـتان و تنها هیئت نونهالان شهرستان هیئتی دیگر بـه این امـر تربیت مـداح بومی نمی‌پردازد کـه امـر ضـروری اسـت.

بستن ماشین‌های متعددی در روز عاشورا

وقتـی از کارشـناس مذهبی مسـتقر در حسـینیه امام تفت سـؤال شد که بیش‌ترین سـؤالی که از شـما شد چه بود؛ گفت درباره این ماشـین بسـتن‌ها و بـه ویـژه اینکه شـیری که بـر روی ماشین‌هاسـت بـه چـه معناسـت؟ در اینجـا چنـد نکته قابل ذکر اسـت: اولا متأسـفانه سـال به سـال بر تعداد ماشـین‌ها افـزوده می‌شـود و به گونه ای میان هیئت‌های مختلـف این امر رنـگ رقابـت به خود گرفته اسـت که ایـن امـر سـبب می‌شـود وقتـی کـه می‌تـوان بـرای عـزاداری انجـام شـود صـرف دیـدن ماشـین‌های مختلـف شـود. هرچند ایـن امر غیرقابـل انکار اسـت که برخـی از این ماشـین‌ها به گونـه ای تأثیرگـذار اسـت کـه هیـچ روضـه ای نمی‌توانـد اثـر کنـد ولـی تعـداد افـرادی کـه تحـت تأثیـر این امـر قـرار می‌گیرند خیلی کم اسـت. ثانیـاً پخـش نذری‌هایـی کـه داخـل برخـی از ایـن ماشـین‌ها صـورت می‌گیـرد جلـوه خوبـی نـدارد و بعضـاً سـوژه ای بـرای برخـی از رسـانه‌های بیگانـه شـده اسـت کـه عزاداری‌هـا را مورد هجمـه قرار دهند. ثالثـاً اکثـر مـردم بـا صحنه‌هایی که بـه نمایـش گذاشـته می‌شـود آشـنا نیسـتند و مفهـوم آن را نمی‌فهمنـد ضمـن اینکـه برخـی از ماشـین‌ها جنبه ای اضافی دارد که هیچ فلسـفه ای بـرای آن‌هـا قابل بیان نیسـت. لذا ضمـن تبیینی کـه باید بـرای منظور هـر ماشـین انجـام شـود؛ لازم اسـت

ماشـین‌های اضافـی حـذف شـود. رابعـاً برخـی از صحنه‌هایـی کـه بـه نمایـش گذاشـته می‌شـود ماننـد ازدواج حضرت قاسـم سـندیت ندارد.

نذری‌هایی که رنگ اسراف می‌گیرد!؟

یکی از نکات قـوت عزاداری‌های تفت پخـت و پخـش نذری‌هـای مختلـف اسـت کـه از سـوی هیئت‌هـای مختلف صـورت می‌گیـرد و حتی در روز عاشـورا بـا سـیل عظیم جمعیت هیـچ گاه غـذا کـم نیامـده اسـت که ایـن امـری شایسـته تقدیـر اسـت و بیـان اینکـه نذری‌هـا نبایـد باشـد درسـت نیسـت ولی نکتـه‌ی ضعفی کـه بـه نظـر می‌رسـد این اسـت که در برخـی از مواقـع این پخـت و پزها رنگ اسـراف به خود می‌گیـرد و دیده شده اسـت که متأسفانه غذاهایی که متبـرک بـه نـام امـام حسـین (علیه السّلام) بـوده دور ریختـه شـده‌اند. پیشـنهاد می‌شـود متصدیـان ایـن امـر ضمن رعایت ایـن نکته؛ چنانچه یـک دیگ برنج را کـم کنند و هزینه آن را صـرف امـور خیریـه دیگر کنند هـم غـذا کـم نمی‌آیـد و هـم بـه امر خیـری دیگر رسـیدگی شـده اسـت و هـم اسـرافی صـورت نمی‌گیـرد. از سـوی دیگـر در توزیـع آن چنانچه متولیـان برنامـه ریزی‌هـای بهتـری انجـام دهنـد کـه بانظـم و بـدون اذیـت شـدن عـزاداران بـه آن‌هـا غذا بدهنـد بهتـر و مطلـوب تـر اسـت.

غلبه شـور بر شـعور حسینی!؟

نکتـه قـوت در هیئت‌هـای عـزاداری شـهر تفـت وجـود شـوری کـه بیـن تمام اقشـار مـردم در هیئت‌هـا وجود دارد. شـوری که مردم را گاه تا پاسـی از شـب نگاه مـی‌دارد ولی نکته ضعف آن اسـت کـه کمتـر در هیئت‌هـا به شـعور حسـینی پرداختـه می‌شـود؛ اینکه امام حسـین علیه السّـلام برای چه قیام کرد و شـهید شـد؟ و فلسفه قیام چه بوده اسـت؟ و سـایر مسـائل اعتقـادی کـه لازم اسـت بیان شـود. امید اسـت مجریان امر بـرای افزایش ایـن شـعور هـم گام‌هایـی را بردارند.

غلبه سینه زنی و زنجیر زنی بر گریه!؟

سـینه زنـی و زنجیـر زنـی بـه عنوان تعظیـم شـعائر الهی امـر لازم اسـت که از نقاط قوت شـهر تفت محسوب می‌شـود ولی آنچـه در احادیث به آن سفارش شده اسـت گریه بر اباعبدالله الحسـین علیه السّـلام اسـت. به ویژه مقتـل خوانی که کمتر در شـهر تفت دیده شـده اسـت که توصیه می‌شود هیئت‌هـای عزاداری بیشـتر بـر روی مصیبت خوانی برگرفته از منابع موثق و مقتل‌های مشـهور کار کنند. ضمن اینکه برخـی از روضه‌هایی که خوانده می‌شـود یا به صورت کامـل یا برخی از نکاتش غیر واقعی و تحریفی اسـت کـه لازم اسـت بـه این امر نیـز توجه شـود؛ هرچند تعـداد آن اندک اسـت.

جای خالی نام و عکس شهدا در عزاداری‌ها

شـهدا حـق بزرگـی بـر گـردن مـا دارنـد؛ شـهدایی کـه رفتند تـا اکنون مـا در امنیـت و آسـایش بتوانیم برای اباعبـدالله الحسـین (علیـه السّـلام) عـزاداری کنیـم. ولـی در مراسـم‌ها و برنامه‌هـای مختلـف شهرسـتان تفـت یـاد و نامـی از آن‌هـا مشـاهده نمی‌شـود یـا خیلـی کـم اسـت. اصـولاً شـهدای انقـلاب اسـلامی و دفاع مقـدس ادامه دهنـدگان راه امام حسین علیه السلام هستند و فقدان تصاویـر آنـان شـاید چنین بـه ذهن تداعـی کند که بعضاً راه امام حسـین علیه السلام را نشناخته اند ؛ پس این عـزاداری ها اگر منجر به شـناخت راه ایشـان نشـود چـه سـودی دارد؟

کاهـش طبـل و سـنج هیئت‌ها

از نـکات قـوت محرم امسـال کاهش تعداد طبل و سـنج هیئت‌هـا بود که خیلی عالی بود. در سابق کوچک‌ترین هیئت هم سـه تا طبل و سـه تا سنج داشـت و به دلیل صـدای بالای طبل و سـنج کسـی صـوت مداحـی را نمی‌توانست بشـنود؛ اما امسال حتی هیئت‌های بـزرگ هم دو تا طبل و دو سـنج بیشتر نداشـتند که نکته قوتِ مراسـم امسـال بـود چـرا کـه اصـولاً طبل و سـنج برای هماهنگی هسـت و صـدای کـم آن هـم کافـی اسـت.

علم‌هایی که جای مراسم باکیفیت را گرفت!؟

روز ۱۳ محرم که برای عزاداری مراسم سـوم حضـرت اباعبـدالله الحسـین (علیه السّـلام) به حسـینیه امام تفت می‌رفتم نـاگاه دیدم خیابـان اصلی را بسـتند! با خـود فکر کردم سـال‌های گذشـته که این قدر شـلوغ نمی‌شـد کـه راه را ببندنـد! بـه حسـینیه کـه رسـیدم دیدم جمعیت مثل هر سـال اسـت و آنچه سـبب بسـتن راه شـده اسـت علم‌هایی بود که گفته می‌شـد برخـی از آن‌هـا از یـزد کرایـه شـد. بـه نظـر می‌رسـد هرچنـد علـم بـه عنوان نمادی مقدس اسـت ولی افراط در آن و راه انداختـن دسـته ای که در آن مـردم هیچ گونـه عـزاداری ندارند و حـدود یک سـاعت فقـط باید رفت و آمـد علم‌هـا را نظاره گر باشـند کار درسـتی نیسـت و امید است متولیان امـر در ایـن کار تجدیـد نظـر کننـد.

بررسی صحت و سقم و ریشه تاریخی مذهبی

قضیه شیر در تعزیه امام حسین (علیه السّلام) و کاروان‌ها

در تعزیه‌ها و مراسـم عاشورا استفاده از شـیر مرسـوم اسـت؛ سـوالی کـه مطـرح می‌شـود فلسـفه ایـن شـیر چیسـت؟ و چـرا از آن اسـتفاده می‌کننـد؟ آیـا ایـن شـیر دارای ریشـه تاریخـی و مذهبـی اسـت؟ قدیمی‌تریـن سـندی کـه بـرای این داسـتان موجـود اسـت، نقلی اسـت کـه مرحوم شـیخ کلینـی در کتاب شـریف کافـی آورده اسـت. تذکـر ایـن نکتـه لازم اسـت کـه مـا از این داسـتان بـه «نقـل» تعبیـر کردیـم نـه «حدیث» زیـرا حدیث آن اسـت کـه به معصوم منتسـب اسـت و این داسـتان را مرحوم کلینی به معصوم نسـبت نمی‌دهـد. متـن این اسـت: ادریـس بـن عبـد الله اودی گویـد: چون حسـین (علیه السّـلام) شهید شـد و آن لشـکر خواسـتند اسب بر بدنـش بتازنـد، فضه بـه زینب گفت: ای بانوی من سـفینه، کشـتی‌اش در دریـا شکسـت و به جزیـره‌ای افتاد و به شـیری برخورد، به آن شیر گفت: ای ابـا الحارث مـن آزاد کرده رسـول خدایـم، آن شـیر در برابرش همهمه ای کـرد تـا او را بـه راه آورد، در ایـن گوشـه هـم شـیری خوابیده اسـت، بگـذار مـن بـروم و بـه او آگاهی دهم کـه این مردم فردا چـه خواهند کرد. گویـد: فضـه نـزد آن شـیر رفـت و گفـت: ای ابـا الحـارث، آن شـیر سـر بلنـد کـرد و فضـه بـه او گفت: می‌دانـی فـردا می‌خواهنـد بـا امـام حسـین (علیه السّلام) چه کار کنند، می‌خواهند اسـب بر پشـتش بتازند. گویـد: آن شـیر آمـد تـا دو دسـت خـود را روی جسـد حسـین (علیـه السّـلام) نهـاد، لشـکر پیـش آمدند و چـون آن شـیر را دیدنـد عمـر بـن سـعد بـه آن‌هـا گفـت: ایـن فتنه‌ای اسـت مبـادا آن را برانگیزید، برگردیـد، آن‌هـا هـم برگشـتند. بررسـی سـندی ایـن نقـل: ایـن نقـل از نظر علم رجـال ضعیف شـمرده می‌شـود نیز از وفات آخرین راوی یعنـی عبـدالله تـا واقعـه کربلا حـدود یـک قـرن فاصلـه اسـت و حداقـل دو واسـطه در ایـن میـان از قلـم افتـاده اسـت. پـس ایـن نقـل مرسـل اسـت و سـند تـا زمـان این واقعه متصل نیسـت. ذکـر این نکته لازم اسـت کـه صـرف ضعـف سـند نمی‌توانـد به متن خدشـه وارد کند. بلکـه ممکـن اسـت متنـی سـالم با سـندی مخدوش یـا به عکس متنی مشـکل دار با سـندی صحیح باشـد که شـواهد این دو مورد بسـیار است. بررسی اشـکالات این نقل؛ اشکالاتی کـه این متـن دارد عبـارت اسـت از: ۱- فضه در این نقل کسـی است که

اتفـاق افتـادن چنیـن چیـزی امـکان دارد و مـا مدعی مجعول بـودن چنین اتفاقی نیسـتیم؛ اما شـواهدِ خلافِ ایـن نقـل، آن را تضعیف می‌کند.

به سـراغ شـیر رفته و از او خواسته تا مانـع تاختـن دشـمنان بر بـدن امام شـود. اشـکال این اسـت که در هیچ تاریخـی بـودن فضـه در کربـلا نقل نشـده اسـت. جـز همین نقـل. حال ایـن فضـه کیسـت. آیا همـان خادم حضرت زهرا (سـلام الله علیها) است یا کس دیگری اسـت، معلوم نیست، هرچند در تاریـخ اهل بیت، نام فضه دیگـری نیامـده اسـت بـه هرحـال بعید اسـت کـه چنین شـخصی در کربـلا باشـد و کتاب‌هـای تاریخی از بـودن وی هیـچ خبری نقـل نکنند. ۲- آیـا شـیر در کربلا همان شـیری اسـت بـا سـفینه برخـورد کـرده اسـت؟ از ظاهـر عبـارت پیداسـت کـه ایـن شـیر همان شـیر سـفینه اسـت. در اینجا سـؤالی مطرح اسـت کـه آن شـیر در سـرزمین روم کـه سـالیان متمادی از آن زمان گذشـته، چگونـه بـه کربـلا رسـیده اسـت و فضـه از کجـا فهمیـده اسـت کـه شـیر سـفینه به کربـلا آمده اسـت؟ ۳- فضـه بـه شـیر می‌گویـد کـه آیـا می‌دانـی فـردا بـا ابوعبـدالله (ع) چـه خواهنـد کـرد. در نقل‌هایـی کـه بحـث از تاختـن دشـمن بـر بـدن امـام آمـده اسـت هیـچ یک صحبت از فـردا (روز بعد از عاشورا) نیسـت؛ بلکه ظاهر یا صریح عبارات آن اسـت که بلافاصله پس از شهادت امام تصمیم گرفتند و همان وقت هم این تصمیم را عملی کردند. ۴- بنابـر نقـل مورد بحث شـیر مانع تاختـن اسـبان بـر بـدن امام شـد و تصمیـم دشـمنان عملـی نشـد؛ اما در همـه نقل‌هـای تاریخـی از عملی شـدن ایـن تصمیم سـخن گفته‌اند. در پایـان یادآوری این نکته بجاسـت کـه اتفـاق افتـادن چنیـن چیـزی (منظـور مـا نقـل مرحـوم کلینـی اسـت) امـکان دارد و مـا مدعـی مجعول بودن چنین اتفاقی نیستیم؛ امـا شـواهدِ خـلافِ ایـن نقـل، آن را تضعیـف می‌کنـد. ضعیـف بـودن لزوماً به معنای جعلی بودن نیسـت.

برگرفته از سایت تبیان به همراه تغییرات

داسـتـان سـرا

پنج وصیت حضرت آدم

حضـرت آدم پنـج وصیـت به فرزندش شـیث کرد ودسـتور داد او هـم ایـن وصیت‌هـا را بـه فرزندانش بکند.
۱- بـه دنیـا مطمئن نشـوید که من به بهشـت جاوید اطمینان یافتـم خدا این اطمینان را نپسـندید وبیرونم کرد.
۲- بـه رای زنـان رفتـار نکنید که مـن به میـل زن عمل کردم از درخت خوردم وپشـیمان شـدم.
۳- هـر کاری می‌خواهیـد بکنیـد اول عاقبتـش را بنگریـد کـه مـن اگـر عاقبـت اندیشـی کـرده بـودم به ایـن مصیبـت دچار نمی‌شـدم.
۴- کاری را کـه دل در انجامـش ارام ندارد،نکنید؛ که من هنگام خـوردن از آن درخـت دلـم می‌لرزیـد امـا اعتنـا نکردم،خوردم وپشیمان شدم.
۵- در کارهـا مشـورت کنیـد که اگـر من با ملا ئکه شـور کرده بودم، گرفتار نمی‌شـدم.

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

دوستی خدا

از حضرت ابراهیم خلیل پرسـیدند به چه سـبب خداوند ترا به دوسـتی گرفت؟ فرمود:به سه علت:
اول:فرمان خدا را بر دستور دیگران ترجیح دادم؛
دوم: بـر چیـزی کـه خـدا کفایـت کـرده بـود (۰ ماننـد روزی) همت نگماشـتم.
سوم: وهر گز بدون مهمان غذا نخوردم.

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

نمازریائی

ابـن طـاووس از یکـی از پارسـایان نقـل کـرده نمازهـای سـی سـاله خـود را که در صـف اول جماعت به جای مـی‌آوردم اعاده کـردم و سـبب اعـاده آن‌هـا آن بـود، روزی بـه خاطـر عـذری دیـر بـه مسـجد آمـده و محـل خالـی در صـف اول نیافتـه که بـه ایسـتم ناچار در صـف دوم اقتـدا کردم در خاطرم احسـاس شـرمندگی نموده که مردم پس از سـی سـال مرا در صف دوم مشـاهده می‌کنند، دانسـتم همه نمازهای سـی سـاله من توام بـا ریـاکاری بـوده و از اینکـه مردم مـرا در صـف اول می‌دیده و مصـداق سـابقان در خیـرات می‌دانسـته لـذت می‌بردم.

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

زیارت اهل قبور

یکـی از عُبـاد گفـت هنگامـی بـه زیـارت اهـل قبـور رفتـم، بهلـول را در گورسـتان ملاقـات کـردم، پرسـیدم در اینجـا چه می‌کنـی؟ در پاسـخ گفت با مردمی مجالسـت می‌کنـم که مرا آزار نمی‌دهنـد و اگـر از آخـرت غفلـت کنـم مرا به یـاد آخرت می‌اندازنـد و اگـر غیبـت کنـم از مـن غیبـت ننمایند.

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

وصیت‌سلیمان

از جملـه وصیت‌هـا و سفارشـات حضـرت سـلیمان بـن داوود خطـاب به بنی اسـرائیل فرمـود: در درون خود جـز پاکیزه وارد مسـازید و از دهـان خـود جز پسـندیده بیـرون نیاوریـد، یعنی غـذای حـلال بخورید و سـخن درسـت بگویید.

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

آرامش دل

بـه نـزد اویـس قرنی شـدم. از من پرسـید: چه چیز تـرا بدینجا آورد؟
گفتم: از این رو آمده‌ام که به تو آرام گیرم.
گفـت: من هرگز کسـی را ندیـده‌ام که پروردگارش را بشناسـد و به دیگـری آرام گیرد.

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

دلیل زهد اختیار کردن

شیخی را گفتند: به چه مناسبت زهد اختیار نمودی؟
گفت: سه جهت؛
اول: دیدم قبر وحشتناک است، انیسی ندارم.
دوم: راه دور ودراز است وتوشه ندارم.
سوم: قاضی محکمه قیامت خدای جبار است وعذری ندارم.

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

اسم اعظم

روزی مریـدی از شـیخی التمـاس نمـود کـه او را اسـم اعظـم بیامـوزد، شـیخ فرمـود کـه او را در شـط اندازنـد، چنـدان کـه فریـاد می‌کـرد پیاپی در آب غرقـه می‌کردنـد، عاقبةُالامر چون اضطـراب واضطـرار او بـه غایـت انجامیـد، الله الله گفتن گرفت. همـان سـاعت او را آب بـه کنـار انداخـت وخلاص یافت. شـیخ فرمـود کـه اسـم اعظـم خاص آن اسـت کـه در کمـال اضطرار دسـتگیر بنـده عاجز ومضطر شـود که:
«اَمَـن یُجیـب المُضطر اذا دَعاهُ وَیَکشِـفُ و..» زیـرا اضطرار گواه استحقاق اسـت. چنانکهَ گفت:

آن نیاز مریمی بودست ودرد
که چنان طفلی سخن آغاز کرد

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

نام‌نیکو

حکمـا گفته‌انـد: چنـان زندگانی کن کـه خوبی تـو را در قفای تـو گوینـد، که روبـرو گفتن از بیم اسـت یـا از امید
ودر زندگـی سـعی کن که به از دیگران باشـی،که بعـد از مردن همـه یکسـان‌اند، وبجـز نام نکو، یـا ذکر بدی، هیـچ باقی نماند.

جهان چو گشت به کام تو نام نیک اندوز
که غیر نام نکو نیست حاصل دو جهان

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

سه داستان طنز

مـردی زمینـش را بـه مبلغـی فروخـت و در برابـر آن اسـبی خرید. حکیمی به او رسـید و گفت: دانسـتی که چه معامله‌ایی کـردی؟ چیزی را که به آن سـرگین مـی‌دادی و در برابرش جو می‌گرفتـی، بـا چیـزی عـوض کردی کـه باید بـه آن جو بدهی و در برابرش سـرگین بگیری

****

یکـی از یکـی دیگر درخواسـت کرد، تا مبلغـی را با مهلت یک ماهـه بـه او قـرض دهـد. آن یکـی گفت: اکنـون مبلغـی را که می‌خواهـی نـدارم. امـا می‌توانـم بـه جـای یـک ماه بـه تو یک سـال مهلت بدهم

****

مـردی بـه صاحبخانـه‌ی خود گفت: زحمت بکشـید و سـتون ایـن سـقف را تعمیـر کنیـد کـه بـه شـدت صدای شکسـتگی می‌کنـد. صاحبخانـه گفـت: نگـران نبـاش، سـتون در حـال ذکـر گفتـن اسـت! مرد گفـت: البتـه که نگـران نیسـتم، فقط می‌ترسـم نـازک دلـی در او ایجـاد شـود و سـجده کنـد!

* همه داستان ها برگرفته از کشکول شیخ بهایی(ره) است.

ضمیمه شماره ۴۵ دو هفته نامه امید و آگاهی (چهاردهمین ویژه نامه شهرستان تفت)

امید و آگاهی
ویژه شهرستان تفت

امام علی علیه سلام:
زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی ماند. امّا خداوند، به علت ستمگری انسان ها و زیاده رویشان در گناه، آنان را از وجود حجت در میان آن ها بی بهره می سازد.
غیبت نعمانی، ترجمه، ص۲۰۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
مهدی کریمی زارچی

سردبیر ویژه شهرستان تفت:
حمیدرضا پهلوان باقری

هیئت تحریه شهرستان تفت:
مجتبی فلاح تفتی
مرتضی دهقانی تفتی
عباس حمیداوی
محمدعلی مورکیان
همکاران:
امیرمحمدمؤذن‌فراشاه
محمدآرامی،امیرحسین‌دهقانی

راه های ارتباطی با نشریه:
o.a.taft@gmail.com
۵۰۰۰۲۹۰۹۱۶۵ (پیامک)
روابط عمومی(فلاح تفتی):
۰۹۱۳۷۷۴۶۷۰۹

نقل و نشر مطالب تنها با ذکر نام نشریه بلامانع است

مشتاقانه آماده دریافت نظرات و مقالات اساتید، صاحب نظران و شهروندان تفتی هستیم

معرفی کتاب

ماه به روایت آه
اثر ابوالفضل زرویی نصر آبادی

«ماه به روایت آه» عنوان آخرین اثر منتشر شده‌ی ابوالفضل زرویی نصرآباد و روایت او از زندگانی و شخصیت حضرت ابوالفضل العباس (علیه السّلام) ماه بنی هاشم است. نویسنده در این کتاب کوشیده تا از زبان دوازده راوی، ناگفته‌هایی از قبل و بعد از شهادت پرچمدار کربلا را با امانتداری، پایبندی به مستندات تاریخی و روایی و پرهیز از اغراق، روایت کند. بر خلاف انتظار، در کتاب به شکل و شیوه‌ی شهادت حضرت ابوالفضل (علیه السّلام) اشاره ای نشده و نویسنده عمده‌ی همت خود را صرف بازگویی و رازگشایی از اموری کرده که با وجود جذابیت برای مخاطب، متاسفانه کمتر بدانها پرداخته شده است؛ اموری همچون خانواده‌ی مادری، کودکی، ازدواج، فرزندان، برادران، حیطه‌ی دانش و معرفت و جایگاه آن حضرت در میان اهل بیت و مسلمانان آن روزگار. از دیگر جذابیت‌های این کتاب، ذکر تاریخ شمسی تمامی رخدادهاست که خواننده‌ی فارسی زبان را با زمان وقوع حوادث در روز و ماه و سال هجری شمسی آن وقایع آشنا می‌کند. زرویی در نگارش این دوازده روایت، با تکیه بر منابع دست اول تاریخی و مطالعه و فیش برداری از قریب شصت کتاب،ضمن رعایت ایجاز، پرهیز از اطناب و نگاه احساسی، متنی خواندنی و قابل اعتماد و استناد فراهم آورده است؛ متنی که در عین سادگی ساختار ادبی محکم و قابل تاملی دارد. به جز یک راوی (زید بازرگان) تمام راویان کتاب (مسلم بن عقیل، فاطمه کلابیه، حضرت زینب، امام حسین علیه السلام، ام کلثوم، لبابه، عبدالله بن ابی محل، کزمان، شبث بن ربعی، سرجون و عبیدالله بن عباس) شخصیت‌های واقعی‌اند.

رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی تفت

اجرای بیش از ۳۵ برنامه در تمام کتابخانه‌های عمومی تفت در هفته کتاب و کتابخوانی

نهاد کتابخانه‌های عمومی، یکی از نهادهایی است که تقریبا با جوانب مختلف زندگی همه‌ی اقشار جامعه در ارتباط است و فعالیت آن نقش به سزایی در پیشرفت و اعتلای فرهنگ یک شهر دارد. به بهانه‌ی هفته‌ی کتاب و کتابخوانی به سراغ آقای هادی قاسمی، رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی شهرستان تفت رفتیم تا شما خوانندگان محترم را با فعالیت‌های این نهاد آشنا سازیم.

امید و آگاهی تفت:
به عنوان سؤال اول رسالت و وظایف نهاد کتابخانه‌های عمومی در سطح شهرستان چیست؟
به طور کلی می‌توان گفت اواخر سال ۱۳۸۳ بود که نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به عنوان نهادی عمومی و غیر دولتی شروع به کار کرد و نزدیک به ۱۰ سال است که به صورت مستقل جهت رسیدگی بهتر و بیشتر به کتابخانه‌های عمومی و ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی انجام فعالیت می‌نماید این نهاد دارای ارکانی از جمله هیات امنا، انجمن‌ها و دبیر خانه‌ها می‌باشد. رسالت این نهاد را می‌توان اینگونه شرح داد که این نهاد با ارائه خدمات کتابخانه ای به مردم از جمله امانت کتاب و خدمات جنبی دیگر در گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در سطح شهرستان انجام فعالیت می‌نماید تا به نحوی کتاب را که توعی ابزار جهت افزایش دانش و علم و آگاهی است، سهل تر در اختیار مردم قرار دهد. گفتنی است که کتابخانه‌های عمومی شهرستان بخش‌های مختلفی از جمله؛ بخش امانت کتاب، بخش کودک، بخش مرجع، مراکز اطلاع رسانی، بخش نشریات و سالن مطالعه ویژه خواهران و برادران را دارا می‌باشد.

امید و آگاهی تفت: نقشی که نهاد کتابخانه‌های عمومی در پیشرفت و اعتلای فرهنگ جامعه دارند چیست؟
مقام معظم رهبری می‌فرمایند هیچ چیز جای کتاب را نمی‌تواند بگیرد باید فرهنگ کتاب و کتابخوانی همه گیر بشود و نهاد کتابخانه‌های عمومی با تامین منابع و کتاب‌های جدید و به روز و همچنین نشریات و روز نامه‌های مختلف سعی دارد تا متناسب با نیازهای مردم گام بردارد و مردم شهرستان را با منابع جدید آشنا و با در اختیار گذاشتن کتاب‌های مفید بر علم و دانش آن‌ها بیافزاید و گامی در راستای رسیدن به این هدف والا که از دغدغه‌های رهبری انقلاب نیز می‌باشد بردارد. کمااینکه در هر کتابخانه بخشی به عنوان بخش تازه‌های کتاب وجود دارد که به نوعی معرف کتاب‌های نو رسیده به کتابخانه می‌باشد.

امید و آگاهی تفت:
در مورد کتابخانه‌های عمومی تفت توضیح داده و بگویید شهرستان تفت دارای چند کتابخانه‌ی فعال است؟
هم اکنون شهرستان تفت دارای ۹ کتابخانه عمومی فعال می‌باشد که ۴ کتابخانه آن شهری و ۵ کتابخانه روستایی به حساب می‌آید و بالغ بر ۲۲۰۰ عضو فعال و ۱۱۰۰۰۰ نسخه کتاب در این کتابخانه‌ها موجود است. به نحوی که می‌توان گفت به ازای هرتفتی دو کتاب در کتابخانه‌ها موجود است. البته باید در نظر داشت که با توجه به پراکندگی زیادی که در روستاهای شهرستان وجود دارد و اکثر روستاها دارای جمعیت کم هستند. بر اساس قانون نحوه تاسیس و اداره کتابخانه‌های عمومی کشور امکان تاسیس کتابخانه در همه روستاها وجود ندارد و ما به همین علت در دهستان‌های پر جمعیت شهرستان کتابخانه‌هایی را بعضا به همت خیرین تاسیس کردیم.

امید و آگاهی تفت: در مورد کتابخانه‌ها و فعالیت‌هایی که در آن صورت می‌گیرد توضیح دهید؟
کتابخانه‌های عمومی شهرستان همه روزه به جز ایام تعطیل از ساعت ۸ صبح الی ۷ شب به صورت یکسره به ارائه خدمت به همشهریان عزیز می‌پردازد و در همه کتابخانه‌ها علاوه بر کتاب‌های مفید و جدید سالن‌های ویژه مطالعه به صورت مجزا برای برادران و خواهران موجود می‌باشد. به علاوه می‌توان گفت که نهاد کتابخانه‌ها با برگزاری جلساتی از جمله جلسات نقد کتاب، نشست کتاب خوان، برگزاری مسابقات کتاب خوانی به صورت مکتوب و آنلاین سعی در تشویق و ترغیب مردم به امر مطالعه و کتاب خوانی دارد.

امید و آگاهی تفت: در مورد نشست کتابخوان که در سراسر کشور اجرا می‌شود توضیح دهید؟
نشست کتابخوان یا طرح به اشتراک گذاری کتاب‌های خوانده شده و معرفی و توصیه خواندن آن به دیگران بدینگونه است که افرادی که کتابی را خوانده و برایشان جذابیت داشته را به دیگران معرفی می‌کنند این طرح به مناسبت هفته دفاع مقدس با حضور مسئولان و معرفی کتاب و توسط آن‌ها در شهرستان تفت نیز برگزار شد و مورد استقبال قرار گرفت.

امید و آگاهی تفت: در مورد خدمات کتابخانه‌ها توضیح داده وبفرمایید نقش موثر این خدمات در کتابخانه چیست؟
خدمات کتابخانه‌ها در حوزه‌های مختلفی است از جمله امانت کتاب، مهیا نمودن فضایی مناسب جهت مطالعه، ارائه کتاب‌های مرجع جهت تحقیق و پژوهش ویژه دانشجویان و محققان، دراختیار گذاشتن اینترنت پرسرعت به اعضاء و مراجعان کتابخانه‌ها در مراکز اطلاع رسانی کتابخانه‌ها، نمایه نشریات و یک سری خدمات جنبی دیگر ... همچنین با استفاده از سامانه مدیریت کتابخانه‌های عمومی کشور به آدرس (www.samanpl.ir) همشهریان محترم می‌توانند از منابع موجود در تمام کتابخانه‌های عمومی کشور آگاهی یابند و با استفاده از کارت عضویت سراسری کتابخانه‌های عمومی کشور همزمان با عضویت در یک کتابخانه از خدمات سایر کتابخانه‌های عمومی کشور نیز استفاده کنند لازم به ذکر است کتابخانه‌های شهرستان تفت دارای منابع غنی هستند و به خصوص کتاب‌های کمک درسی ویژه دانش آموزان و دانشجویان و افرادی که خود را برای کنکور سراسری آماده می‌کنند و اخیرا نیز منابع خوبی از انتشارات مختلف جهت تجهیز کتابخانه‌ها تهیه شده است و برای استفاده مراجعان در اختیار کتابخانه‌ها قرار گرفته است که دانش آموزان عزیز می‌توانند با مراجعه به هریک از کتابخانه‌های عمومی سطح شهرستان از نزدیک با این خدمات آشنا و از مزیت‌های آن استفاده نمایند.

امید و آگاهی تفت: یکی از مزیت‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی در چند سال اخیر مجزا شدن بخش کودک از دیگر بخش‌هاست، به نظر شما این کار تا چه حد به علاقه مندی کودکان و نوجوانان،خصوصا دانش آموزان به امر مطالعه کمک کرده است؟
در حال حاضر مبنای کار نهاد زیباسازی و جذاب سازی بخش کودک هرکتابخانه است و گرایش آن‌ها و تشویق و ترغیب به کتاب خوانی از سنین کودکی است و می‌توان گفت کتاب‌هایی که برای کتابخانه‌ها ارسال می‌شود نیز اکثرا کتاب‌های سنجیده و خوب و کار شده برای کودکان است همچنین با فراهم آوردن فضایی کودکانه متناسب با ذائقه و سلیقه کودکان و برگزاری فعالیت‌های جنبی از جمله نقاشی، کاردستی؛ روزنامه دیواری، سعی در جذب و تشویق آن‌ها به مطالعه دارد. کتابخانه‌های شهرستان تفت یکی از دو شهرستان استان می‌باشد که کتابدار متخصص در حوزه کودک و نوجوان در آن مشغول به کار می‌باشد و ما در نظر داریم از این ظرفیت استفاده بیشتری داشته باشیم. زمانی که یک مادر و فرزند به کتابخانه مراجعه می‌کنند بهترین خوشحالی کتابداران ما این است که مادری را در بخش کودک کتابخانه برای فرزندش در حال خواندن کتاب می‌بینند.

امید و آگاهی تفت: تا کنون چه فعالیت‌های فرهنگی در کتابخانه‌های عمومی شهرستان تفت شکل گرفته است؟
تاکنون فعالیت‌های فرهنگی بسیاری در سطح کتابخانه‌های عمومی شهرستان انجام شده است از جمله؛ برگزاری نشست کتاب خوان که بازخوردهای فراوانی داشته، برپایی جشنواره‌های شعر به مناسبت‌های مختلف، مسابقات کتابخوانی، جلسات نقد کتاب با حضور نویسنده، برگزاری جلسات ۴۵ دقیقه با کتاب، برگزاری جشنواره شعر روستا با همکاری بخشداری مرکزی تفت،آیین رو نمایی از کتاب شاعر گرانقدر شهرستان آقای علی حمزه، و آیین تکریم از نویسنده بنام شهرستان؛ آقای مجید درخشانی گوشه ای از فعالیت‌های فرهنگی این اداره می‌باشد.

امید و آگاهی تفت: با توجه به نزدیک شدن به هفته کتاب و کتابخوانی، در مورد برنامه‌هایی که در این ایام قرار است اجرا شود، توضیح دهید.
همه ساله از تاریخ ۲۳ لغایت ۳۰ آبان ماه هر سال به نام هفته کتاب و کتابخوانی نامگذاری شده و کتابخانه‌های عمومی نیز در این هفته اقداماتی را در جهت تکریم این هفته و همچنین تکریم مقام کتابداران شهرستان انجام خواهد داد، تقریبا بنا داریم در این ایام بیش از ۳۵ برنامه را در تمام کتابخانه‌های عمومی سطح شهرستان به اجرا درآوریم که مهم‌ترین آن‌ها عبارتاند از: غبار روبی گلزار شهدا در اولین روز هفته کتاب و کتاب خوانی با حضور کتابداران شهرستان بر سر مزار این عزیزان، دیدار با امام جمعه محترم شهرستان؛ برگزاری مراسم تجلیل از فعالین عرصه کتاب و کتاب خوانی در تفت، عضویت رایگان در کتابخانه‌ها، بازدید دانش آموزان مدارس از کتابخانه‌های عمومی شهرستان در قالب طرح «بازدید صد مدرسه از صد کتابخانه»، و به یاری مدارس شهرستان زنگ کتابخوانی در مدارس و کتابخانه‌ها

امید و آگاهی تفت:
نقش خیرین در شهرستان، در حوزه کتابخانه‌ها چگونه است؟
اخیرا انجمنی به نام «انجمن خیرین کتابخانه ساز شهرستان تفت» راه اندازی شده است که در امر ساخت کتابخانه،تامین تجهیزات و هزینه‌های جاری کتابخانه‌ها ما را یاری می‌کنند به طور کلی چهار کتابخانه‌ی «ثامن الحجج دهشیر»،«سیدالشهدا اسلامیه»،«دکتر سید حسین واحد» و «علی ابن ابیطالب گاریزات» به همت و یاری خیرین ساخته شده است. لازم به ذکر است که کتابخانه‌ی شهدای بنادکوک در روستای بنادکوک نیز با اعتباری بالغ بر یک میلیارد ریال در حال ساخت است که هزینه آن را خیرین کتابخانه ساز می‌پردازند. از همین جا از خیرین بزرگواری که تاکنون ما را در امر کتابخانه سازی و رتق و فتق امور کتابخانه‌های شهرستان یاری نموده تشکر و قدردانی خود را اعلام می‌نمایم و از سایر خیرین محترم استدعا دارم در مباحث کتابخوانی و کتابخانه‌ها نیز ما و مجموعه کتابخانه‌های شهرستان را یاری نمایند.

امید و آگاهی تفت: سخن یا کلامی که در سوالات بالا نیامد؟
با تشکر از وقتی که در اختیار بنده و مجموعه کتابخانه‌های عمومی شهرستان تفت قرار داده‌اید برای شما و همکاران محترمتان در هیئت تحریریه نشریه امید و آگاهی آرزوی موفقیت و سلامتی دارم. به امید روزی که کتاب و کتابخوانی نیز یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها باشد

عبرت های تاریخی از واقعه عاشورا

زیانکاران واقعه کربلا چه کسانی بودند؟

کربلا، صحنه ظهور چهره‌هایی با نگرش‌ها، عملکردها و فرجام‌های گوناگون است، «زیانکاران» و در مقابل آن «ره یافتگان»، دو طیف نمادین جامعه آن عصر بودند که با وجود نقطه‌های مشترک، رفتار مختلفی را در آن حادثه از خود نشان دادند. ره یافتگان، با پیشینه ای نه چندان مثبت و گاه منفی، ضمن شکستن زنجیرهای شیفتگی دنیا، دعوت امام زمان را لبیک گفته و در رکاب آن سالار نیک بختان، زندگی خویش را با میمنت و مبارکی پیوند دادند. زهیر بن قین، حر بن یزید، حارث بن امرءالقیس، نعمان و حلاس بن عمرو، بکر بن حی، عمرو بن ضبیعه و... در زمره این گروه‌اند که در برزخ ماندن و رفتن، رفتن به سمت عشق را پذیرا شدند. از دیگر سو، زیانکاران قرار داشتند؛ همانان که همای سعادت بر بام زندگی‌شان نشست تا مرکب عروج ایشان به سوی رضوان باشد، اما مستی رفاه طلبی، دنیاپرستی، مرگ گریزی، قدرت خواهی و عوام زدگی، عقل و تفکر را از آنان ربود و هر یک با بهره گیری از موقعیت خاص خود، دست رد به بخت زرین خویش زده و دعوت امام را اجابت نکردند. دقت در زندگی هر یک از زیانکاران در جریان حماسه کربلا، ما را به نقطه‌های آغازین سقوط حیات ایشان رهنمون و فرجام سوء ردکنندگان دعوت امام را مبرهن می‌سازد. حیات این گروه را مرور می‌کنیم:

عبیدالله بن حر جعفی
عبیدالله، از اشراف، شجاعان و شعرای معروف کوفه بود و در گروه پیروان عثمان قرار داشت. پس از قتل عثمان کوفه را به قصد شام ترک گفت و در کنار معاویه جای گرفت و با سپاه او در جنگ صفین شرکت جست. وی پس از شهادت حضرت علی (ع) به کوفه بازگشت. ابن حر، در منزل بنی مقاتل با کاروان امام حسین (ع) مواجه شد، حضرت نخست «حجاج بن مسروق» را به منظور همراهی و یاری نزد او فرستاد، لیکن عبیدالله بن حر به فرستاده امام جواب رد داد و گفت: «به خدا سوگند از کوفه بیرون نیامدم جز آن که اکثر مردم خود را برای جنگ مهیا می کردند و برای من کشته شدن حسین (ع) حتمی گردید. من توانایی یاری او را ندارم و اصلا دوست ندارم که او مرا ببیند و نه من او را!» پس از بازگشت حاجیان از مکه امام خود به همراه چند تن از یارانش به نزد عبیدالله رفت و پس از سخنان آغازین به وی چنین فرمود: «ابن حر! مردم شهرتان به من نامه نوشته اند که همه آنان به یاری من اتحاد نموده و پیمان بسته اند و از من درخواست کرده اند که به شهرشان بیایم، ولی واقع امر بر خلاف آن چیزی است که ادعا کرده اند، تو در دوران عمرت گناهان زیادی مرتکب شده ای، آیا می خواهی توبه کنی تا گناهانت پاک گردد؟ !» ابن حر گفت: «چگونه؟» امام فرمود: «فرزند دختر پیامبرت را یاری کن و در رکابش بجنگ.» ابن حر گفت: «به خدا قسم کسی که از تو پیروی کند به سعادت ابدی نائل می گردد، ولی من احتمال نمی‌دهم که یاری‌ام به حال تو سودی داشته باشد، زیرا در کوفه برای شما یاوری نیست. به خدا سوگندت می‌دهم که از این کار معافم دار، زیرا نفس من به مرگ راضی نیست و من از مردن سخت گریزانم. اینک اسب معروف خود «ملحقه» را به حضورت تقدیم می دارم، اسبی که تاکنون هر دشمنی را که تعقیب کرده ام، به او رسیده ام و هیچ دشمنی نیز نتوانسته است به من دست یابد! شمشیر من را نیز بگیر، همانا آن را به کسی نزدم جز آن که مرگ را بر آن شخص چشانیده ام!» امام دربرابر سخن نسنجیده و نابخردانه ابن حر چنین فرمود:

«حال که در راه ما از نثار جان دریغ می ورزی، ما نیز به تو و به شمشیر و اسب تو نیاز نداریم، زیرا که من از گمراهان نیرو نمی گیرم . تو را نصیحت می کنم همان گونه که تو مرا نصیحت نمودی، تا می توانی خود را به جای دور دستی برسان تا فریاد ما را نشنوی و کارزار ما را نبینی، به خدا سوگند اگر صدای استغاثه ما به گوش کسی برسد و به یاریمان نشتابد خداوند او را در آتش جهنم خواهد افکند.» دنیازدگی و مرگ گریزی «ابن حر»، مانع وزش نسیم سعادت بر زندگی گناه آلودش شد، نسیم روح افزایی که می‌رفت کردار ناشایست گذشته‌اش را محو و او را در صف صالحان و شهدا قرار دهد.

عمرو بن قیس
عمرو، به همراه پسر عموی خود در منزل بنی مقاتل به محضر امام حسین وارد شد. در ابتدا عموزاده‌اش به امام گفت: «این سیاهی که در محاسن شما می بینم از خضاب است یا موی شما بدین رنگ است؟» حضرت فرمود: «خضاب است، موی ما بنی هاشم زود سپید می شود... آیا برای یاری من آمده اید؟» عمرو بن قیس گفت: «عایله زیادی دارم، مال بسیاری از مردم نزد من است و نمی دانم کار به کجا می انجامد . خوش ندارم امانت مردم از بین برود!» پسر عمویش نیز همانند او پاسخ داد. امام فرمود: «پس از این جا بروید، تا فریاد ما را نشنوید و ما را نبینید، همانا هر کس ندای ما را بشنود و یا ما را ببیند و پاسخ نگوید و به یاریمان نشتابد، سزاوار است که خداوند او را به بینی در آتش افکند.» گردباد دنیاگرایی در پوشش فریبنده عائله مندی و امانت داری مردم، ابن قیس و عموزاده او را در دام خود نهاد و آن دو را از همراهی با کاروان نور و راه یابی به بهشت جاودان بازداشت و در کویر نفس سرکش جای داد.

هرثمهٔ بن ابی مسلم
هرثمه، به همراه سپاهیان امام علی (ع) در جنگ صفین شرکت کرد. در بازگشت، سپاه امام در کربلا توقف نمود. هرثمه می گوید: پس از برپایی نماز صبح، حضرت امیر (ع) مشتی از خاک کربلا را برداشت و آن را بویید و فرمود: «ای خاک! همانا از تو مردمی محشور می شوند که بدون حسابرسی وارد بهشت می گردند.» ابن ابی مسلم، یکی از نیروهای اعزامی «عبیدالله بن زیاد» به کربلا بود، او می گوید: هنگامی که به سرزمین کربلا رسیدیم، به یاد آن حدیث افتادم، بر شترم نشستم و به سمت امام حسین (ع) رفتم. پس از عرض سلام، حدیثی که از پدر والای ایشان شنیده بودم بازگو کردم، امام فرمود: «با ما هستی یا بر ضد ما؟» گفتم: «نه با شما هستم و نه بر شما! دخترانم را در شهر نهادم و از ابن زیاد بر ایشان نگرانم.» حضرت در پاسخ فرمود: «برو! تا آن که قربانگاه ما را نبینی و صدای ما را نشنوی، قسم به آن که جان حسین در دست اوست، اگر کسی امروز صدای ما را بشنود و به یاریمان نشتابد، هر آینه خداوند او را با صورت در دوزخ می افکند.» اگر فقدان توکل و دلبستگی به دنیا قرین زندگی انسان گردد، اندیشه و دیدگاهی چون هرثمه خواهد داشت؛ او که خود شاهد همراهی زن و فرزند امام حسین و سایر بنی هاشم و حضورشان در صحنه بحرانی کربلاست، از فرزندان خود یاد می‌کند و به بهانه نگرانی حال آنان، از همراهی با حجت خدا روی گردان است. «انما اموالکم و اولادکم فتنهٔ و الله عنده اجر عظیم.» مالک بن نضر ارحبی و ضحاک بن عبدالله مشرقی ضحاک، به همراه مالک بن نضر ارحبی به حضور امام حسین (ع) رسید، این دیدار ظاهرا در کربلا صورت گرفت، امام پس از خوشامدگویی، سبب حضورشان را جویا شد، آنان در پاسخ گفتند: برای عرض سلام خدمت رسیدیم و از خدا عافیت و سلامت شما را خواستاریم، مردم برای جنگ با شما جمع شده‌اند! نظر شما چیست؟ امام پاسخ داد: «حسبی الله و نعم الوکیل؛خدا مرا کفایت می کند و چه نیکو وکیلی است.» آن دو برای امام دعا کردند، آن گاه حضرت فرمود: چرا مرا یاری نمی کنید؟ مالک بن نضر با بیان این جمله که: من مقروض هستم و عیال دارم، دعوت امام را رد کرد و رفت. ضحاک بن عبدالله نیز مشابه سخن ابن نضر را گفت و سپس حضور موقت و مشروط خود را در کنار امام پیشنهاد داد و گفت: تا آن جا از شما دفاع خواهم کرد که دفاع من به حال شما مفید باشد، در غیر این صورت در جدایی از شما آزاد خواهم بود، امام نیز پذیرفت. او در روز عاشورا، دلیری به خرج داد و امام بارها او را تشویق و دعا فرمود. چون جمله یاران امام حسین (ع) - جز سویید بن عمر و بشیر بن عمرو - به شهادت رسیدند، او نزد حضرت آمد و شرط پیشین خود را یادآور شد و از ایشان اجازه بازگشت خواست، امام هم آزادش گذاشت. او که قبلا اسب خود را در یکی از خیمه‌ها پنهان کرده بود، پس از اذن امام، سوار بر اسب شد و فرار کرد. تعدادی از سربازان «ابن سعد» به تعقیب او پرداختند، ضحاک چون به روستایی به نام «شفیه» رسید ایستاد، تعقیب کنندگان او را شناختند و رهایش کردند. ماجرای «ضحاک بن عبدالله» در نوع خود بی نظیر است، او که تا دقایق پایانی حماسه عاشورا در کنار امام شمشیر زد و شماری از لشکریان خصم را از پای درآورد و از نزدیک شاهد صحنه مظلومیت خاندان رسالت بود، چگونه بر عاقبت نیکوی خود پشت پا زد و خود را از فیض شهادت در رکاب سالار شهیدان محروم ساخت! آری، او به دنیا دل بسته بود و اسبش نیز وسیله پیوند مجدد او به این زندگی ناپایدار و گذرا گردید ...: «ذلک بانهم استحبوا الحیوهٔ الدنیا علی الآخرهٔ.»

منبع:سایت‌مشرق